



وَلَا تَحْسَبَنَّ الْكُفْرَ أَهْلًا سَأَلْنَاكَ مَا سَأَلَ الْكُفْرَ فَسَيَقُولُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ سَهْلًا

خدایا، مگذار که:

ایمانم به اسلام و عشقم به خاندان پیامبر، مرا با کسبه  
دین، با حمله تعصب و عمله ارتجاع، هماواز کند.  
که آزادی ام اسیر بسند عوام گردد.  
که «دینم»، در پس «وجهه دینی» ام دفن شود.  
که عوامزدگی، مرا مقلد تقلید کنند گانم سازد.  
که آنچه را «حق می دانم»، بخاطر آنچه که «بد می دانند»  
کتمان کنم!

دکتر علی شریعتی

### آیتاله طالقانی: راضی نشوید که روی شما کردها معامله بکنند

روز جمعه ۵۸۵۱۲ دومین نماز جمعه در  
تهران بود. با شکوه تمام برگزار شد. در تهران با  
بیش از یک میلیون نفر نماز جمعه با امامت حضرت  
آیتاله طالقانی، در دانشگاه تهران اقامه شد. در بین  
نمازگزاران عده ای از اعضای کابینه دولت نیز  
ترکت داشتند.

حضرت آیتاله طالقانی دو خطبه خواندند که  
بخش‌هایی از دومین خطبه آورده میشود:  
... امروز نما خواران و برادران بسطرف  
صندوقهای رأی رفتید. این حرکت انسانی، حرکت  
الهی، از جنبه ایمانی، وظیفه و مسئولیت اجتماعی،  
یک حرکت تسییحی است. به انسانیتهای که رأی  
میدهند که منزهترین، آگاهترین و مستعدترین افسراد  
برای تنظیم قانون اساسی - یعنی قانونیکه بتواند  
محیط ۱۱ از قید استبداد، استثمار و استعمار و جور  
و خودخواهی‌ها و امتیازجویی‌ها و ظلم بدور نگاه  
دارند - هستند. قانونی که وسیله رشد استعدادها را  
فراهم کند.

... آن دسته‌ای که بنام دین، بگروهی حمله  
می‌کنند، به‌جماعت آنها یا به‌محل سخنرانی آنها و یا  
کتابخانه‌های بعضی از گروه‌ها حمله می‌کنند، اینها  
نصیر نکند که خدمت بسدین می‌کنند. اینها  
مسلمانهای ناساگه هستند یا آلت دست هستند و هیچ  
توجهی ندارند. اعلامیه‌ها و پوسترها را پاره  
می‌کنند. همین کارهای کوچک موضعی را در  
گسوه‌ای از تهران، در دهی، در قصبه‌ای، در  
تهرانستان بلندگوهای استعمار و اسرائیل و دشمنان  
ما، وسیله قرار میدهند که در ایران آزادی نیست. و  
ایس هم تنگ حیثیت اسلام است، هم تنگ حیثیت  
رهبری است. در تاریخ انقلابهای دنیا از انقلاب  
فرانسه و اکتبر و انقلابهای دیگر نگاه کنید کدام  
انقلاب بود که از همان صبح انقلاب در برابر روی  
همه مردم دنیا باز باشد، رفت و آمدها آزاد باشد.

بقیه از صفحه ۸

### در حاشیه انتخابات

بنام خدا

روز جمعه مردم بیای صندوقهای رأی رفتند تا  
نمایندگانی را برای تدوین قانون اساسی راهی  
مجلس خبرگان نمایند. گزارشات رسیده از بسیاری  
از حوزه‌های تهران حکایت از سوءاستفاده‌ها،  
تقلبات، تحمیل‌ها و عدم رعایت آزادی‌های اجتماعی  
و فردی و زیربنا نهادن آنها می‌کند. نگاهی به

افراد حاضر در حوزه‌ها و عملکرد آنان و طرز  
سرخورد آنان (اعم از اکثر بازرسان، مسئولین  
رأی‌گیری، باسداران و...) نشان میدهد که چگونه  
جو غالب، حمایت پدیدریخ و جانانه‌ای را با استفاده از  
فضای آزاد ناشی از انقلاب و شخصیت امام برای  
حزب مزبور اعلام میداشت. نشان میدهد که چگونه  
احزاب، گروه‌ها و سازمانهای دیگر به‌خصوص  
اسلامی‌ها از طرف آنان کوبیده شده و بیاد افتاده‌های  
ناروا، آنها را در حین رأی‌گیری گرفته میشدند. نگاهی  
به‌ماهیت و چگونگی شایعاتی که از چند روز قبل در  
حاشیه رأی‌گیری و انتخاب نمایندگان مطلوب (۱)  
ملت بر سر زبانها افتاد، توجه به تبلیغی که روحانیون  
در اکثر مساجد نمودند.

و توجه به‌سالم ماندن فقط بوسترها و اعلاناتهای  
حزب مذکور بر روی در و دیوار و شدت تبلیغ و  
حمایتی که در حوزه‌های رأی‌گیری از این حزب شد،  
توجه به‌نحوه انتخابات اکثریت بازرسان و مسئولین  
از حزب جمهوری اسلامی از طرف وزارت کشور  
و توجه به..... نمایانگر طرح برنامه‌هایی است  
که از روزها قبل با ظرافت خاص ریخته شده و در

در صفحه ۴



بسیار از کارخانه سیمان آبیگ

### گزارشی از کارخانه سیمان آبیگ برای تسریع در امور کارخانه، شوراها باید پرسیمیت شناخته شوند

هیچ گونه امکانات رفاهی در کارخانه بچشم نمی‌خورد

اختناق را بطور کامل در محیط کار حاکم ساخته و  
هر فریاد مظلومی را در تطفه خفه کنند. بدین ترتیب  
تا قبل از انقلاب این کارخانه ۸ رئیس عوض  
می‌کند که از جمله ظالم‌ترین و سوزورترین روسا و  
مدیران عامسل (منوچهر سالور) می‌باشند وی  
مأموریت خود را در خور تقصی و خدمت به رژیم  
طاغوت بنحو احسن انجام میدهد بطوریکه در بین  
کارکنان به روباها حیل‌گر معروف میشود. از جمله  
شعارهای او بنا به اظهار یکی از نمایندگان کارگران  
این بود که «کارگران تا گرسنه نباشند کار نمی‌کنند  
و همیشه باید سعی شود که کارگران گرسنه بمانند تا  
بهرتر اطاعت کنند». از جمله کارهای دیگر وی، بنا به  
اظهار نماینده کارگران، می‌اعتنا به بودن به شخصیت  
کارکنان - اختصاصی کردن رستوران کارخانه به  
معدودی از خواص - و اگذاری خانه‌های مسکونی  
به افراد مورد نظر خویش و حیف میل کردن بودجه  
رفاهی کارکنان، استفاده نکردن از تخصص  
مهندسیں با تجربه و گماردن آنها به کارهای  
تشریفاتی بود.

بقیه در صفحه ۵

### گزارشی از: جلسه بحث پیرامون وحدت

بنابر دعوت جنبش مسلمانان مبارز برای ایجاد  
وحدت در یک جبهه واحد ضد استبداد، استعمار و  
استثمار در مقابله با امپریالیسم و ارتجاع به‌رهبری  
امام خمینی پنجمین ۱۱ مرداد ۵۸ دومین جلسه بحث  
آزاد برگزار گردید.

و سخنرانان متعدد هر کدام از دیدگاه خود  
سختانی پیرامون ضرورت وحدت و چگونگی ایجاد  
جبهه واحد ایراد نمودند.

از جمله مسائلی که توسط سخنرانان مطرح  
گردید: اصولی نبودن این شعار که عمده هدفمان  
فقط از بین بردن بورژوازی وابسته باشد. چون در  
شرایط و در جو حاضر هیچ نوع سرمایه‌داری  
نمی‌تواند شکل بگیرد مگر یک حالت حرکت در

در صفحه ۴

### بیانیه جنبش مسلمانان مبارز دلایل شرکت در انتخابات و انتظارات ما از مجلس بررسی و تدوین قانون اساسی

بنام خدا

شرایط لازم برای تدوین قانون  
اساسی

بقیه در صفحه ۷

### آقایان! دست‌میریزاد!

شیوه‌هایی که در جریان انتخابات بکار بردید  
هرگز اسلامی نبود.

... فلیعلمن الله الذین صدقوا ویعلمن الکاذبین  
- عنکبوت ۳ - تا خدا کسانی که راست گفتند و  
کسانی که دروغ گفتند بشناسد.

است و چه کسی وابسته به مال و جان و خانه و  
کاشانه، استبداد قانون حرکت و تکامل است -  
تضادهای درونی انسانها و جوامع در جریان استبداد  
آسکار شده و چه غالب آن معلوم و ظاهر می‌گردد.  
آزمایش انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی  
در هفته‌ای که گذشت، از جمله ابیانات الهی بود تا  
معلوم کند کسانی که مدعی داشتن ایمان و تقوی  
می‌باشند و خود را باسدار و مبلغ ارزشهای خدایی و  
حق و حقیقت می‌دانند - تا چه اندازه در ادعای خود  
صادق‌اند و کسانی که خود را وارث انقلاب اسلامی  
و نگهبان مکتب و ادامه‌دهنده سنت حکیمان رسول  
خدا می‌دانند، تا کجا قادر اند آن اصول و ارزشها را  
در عمل رعایت نمایند انتخابات یک ابتلاء بود، زیرا  
دو وجه متضاد را در وجود شما فغال کرد: یکی  
تمایل به انحصار طلبی و کسب قدرت مطلق بنا  
استفاده از هر وسیله ممکن اگرچه نامشروع و همراه  
با زیربانیان ارزنشها و اصول آسانت و راستی و  
دیگری تلاش و حرکت در چارچوب اصول انسانی و  
ارزشهای قرآنی تسلیم شدن در برابر حق و واقعیت.

بقیه در صفحه ۲

در اینکه خداوند بر احوال همه کس، در گذشته  
و حال و آینده - پنهان و آشکار، خرد و بزرگ، آگاه  
و عالم است، شکی نیست - پس آزمایش برای  
چیست؟ او خود که همه‌چیز را می‌داند، بطور قطع  
هدف از امتحان و ابتلاء آگاه ساختن مردم از حقایق  
است که نمی‌بینند ظاهر نیستند، تا مرده سخن نگفته  
باشند عیب و هنرشی نهفته باشد، تا مرحله امتحان و  
عمل پیش نیامده هر کس می‌تواند مدعی داشتن همه  
ارزشهای عالی باشد، خداوند اقرار به زبان را کافی  
نمی‌داند - می‌فرماید این نیست که شما را به صرف  
ادعای صداقت، ایمان، حقیقت‌خواهی‌ها کنیم و  
به‌گفته‌هایتان اعتماد ورزیم، باید صدق گفتار شما  
در عمل ثابت شود - امتحان و ابتلاء برای آنست که  
هر کس هرچه در باطن دارد آشکار کند، شخصیت  
واقعی که معمولاً زیر بسوختی از آراستگی‌هاست،  
نمودار شود از خوبی‌ها و بدی‌ها، ضعف‌ها و  
قوت‌ها، تا حادته‌ای رخ ندهد، نتایج از جیون، وفادار  
از عهدشکن تمیز داده نمی‌شود، تا جهاد و مبارزه  
ضرورت پیدا نکند معلوم نمی‌شود چه کسی مساجد

### مباحث ایدئولوژیک دکتر بهمان

### خدا مالک مطلق اموال و ثروتها و نعمتهاست

از نعمت‌های خدا نزد هر کس همان قدر به‌امانت گذاشته شده است که کار  
و کوشش انجام داده و احیاء کرده است.

### اصل خدا مالکی

ابا عبدالله، فرمود: «وقتی پیامبر به‌مدینه وارد شد،  
خطی به‌دور آن کشید و فرمود خدایا هر کس - خانه‌اش را  
بفروشد به‌او برکت نده»  
زمین مدینه شهر آزاد شده متعلق به‌خدا و بساری  
عموم است و خانه‌های آن برای استفاده مهاجر و انصار  
می‌باشند - خانه‌ها و اطاقهای اضافی بدون دریافت  
وجهی در اختیار مهاجرین گذاشته می‌شود مستوعیت  
فروش خانه‌ها از جانب پیامبر چند معنای اساسی و مهم  
دارد، در ظاهر کلام رسول نشانه‌ای از اجبار و دستور  
بچشم نمی‌خورد، تنها از خدا خواسته است به‌کسانی که  
بر طبق گفته وی عمل نمی‌کنند و اقدام به‌فروش خانه‌ها  
می‌نمایند برکت ندهد.

بقیه در صفحه ۲

اما فراموش نکنیم که عمل پیامبر و همه گفته‌های او  
برای مومنان سر مشق و به‌نمایه دستور العمل است «لکم  
فی رسول الله اسوة حسنة» و با در جای دیگر تبعیت از  
فرامین و خواسته‌های رسول همان اندازه لازم است که  
تبعیت از دستورات خدا «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول...»  
پس اگر اجزای این درخواست از طرف غیر  
مسلمانان اجباری نباشد که نبود برای مومنان که اسلام  
را پذیرفته و رهبری پیامبر را قبول کرده بودند بدون هیچ  
تورید و ابهامی واجب می‌نمود.  
قبلاً گفته که قبول مناسبات توحیدی فقط از جانب  
مومنان راستین، کسانی که با جان و مال خود جهاد  
کرده، در راه خدا مهاجرت کرده‌اند ممکن و عملی  
است.

نکته دوم - در این گفتار تنها از فروش خانه‌ها منع  
شده است و اشاره‌ای به‌زمین و دیگر منابع و کسلا و  
اشیاء نیست.  
دلیش اینستکه اولین مسئله‌ای که بلافاصله پس از

### نگاهی به انقلاب مشروطیت

مبارزات مردمی و ایجاد حوادث بعدی نقش مثبتی از  
خود بجای می‌گذارد. رزمه عدالتخانه و نسیم مشروطیت  
که توسط روشنفکران از فرنگ برگشته در ایران وزیدن  
گرفته بود، با حمایت روحانیت بخصوص علمای نجف  
و بیوسن مردم شهرها، مسئله قیافه جدی بخود میگردد.  
بطوریکه بعد از اندک مدتی جنبش در بعد قانونی پیروز  
شده و فرمان مشروطیت علیرغم تناسم قشارها و  
سنگ‌اندازهای عین‌الدوله و دربار صادر میشد، و  
مشروطه از نظر قانونی تثبیت میشود و مجلس تشکیل  
میگردد. هنوز چند مسایحی نگذشته که قوالمها و  
سلطنتها و دوله‌های پای خود را در مجلس محکم  
میکنند. مشروطه دو دستی تقدیم ارتجاع میگردد.  
بطوریکه این دوره (گرفتن فرمان مشروطیت)  
صرف‌نظر از درگیرهایی در اینجا و آنجا شکلی  
مسالمت‌آمیز داشته است. با روی کار آمدن محمدعلی  
میرزا وری بر میگردد و مخالفت‌های مخفی و علنی با

روز ۱۴ مرداد مصادف با سالروز آغاز  
جنبش مشروطیت است. از این نظر تحلیلی  
مختصری داریم در رابطه با این نهضت و  
درس‌های گران‌بهای تاریخی که میتوان از آن  
گرفت  
نگاهی هر چند سطحی و گذرا به‌تاریخ قاجار  
بخصوص از دوره فعلیشاه به بعد. نمایانگر یک سری  
عقب‌ماندگیهای اقتصادی، سیاسی و فساد فرهنگی و  
اجتماعی است، با ورود به‌دوره ناصری و تسلط  
بجایگاه‌های وی این عقب‌ماندگی‌ها و فساد شدت می‌یابد  
و بسال‌مال یک سری اعتراضات سیاسی اجتماعی که  
تفراً تظلم‌بندی قیام‌های مردمی آینده بوده را بدنبال  
دارد، که جنبش پسرشکوه و سیروزمندانه نساواکو علیه  
استعمار خارجی از نمونه‌های بارز آنست، با اوج‌گیری  
ترور و حقیقان و استبداد که منجر به‌قتل ناصرالدینشاه  
از جانب سیروزاضی کسرمانی میشود، در تسریع

بقیه در صفحه ۳

### پیش بسوی تشکیل جبهه واحد اسلامی ضد استبدادی، استعماری و استثماری به‌رهبری امام خمینی

# آقایان! دست مریزاد!

## امتحانی که روسفیدی پدنبال نداشت

کدام وجه بسر وجود شما غالب بسود و کسی نمی‌دانست. تمایل قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی بنا بر تمایل حقیقت‌طلبی و احترام به آزادی؛ اینست که برای گسترده دامنه قدرت و محو و نابود کردن مزاحمان اینست که حاضرین تا کجا پیش بروید فقط در جریان عمل روشن می‌نشد.

باید اذعان کنید که از این آزمائش روسفید بیرون نیامدید، آنچه اتفاق افتاد و انجام دادید همین و گواه صداقت شما در عمل نبود، روش‌هایی که بکار بردید یا آنچه در سخن منتهی آن هستید، مطابقت نداشت.

تنبیه‌هایی که پیش گرفتید با روح اسلام و سنت رسول و اصول اخلاقی قرآن، در تضاد بود با ادعای شما به حفظ و رعایت آزادی و احترام به آرای دیگران. موافقت نداشت. شما خود را وارث و پاسدار انقلاب اسلامی می‌دانید. ولی روش شما مستقیماً به‌زبان انقلاب و حیثیت و اعتبار مکتب بود نمونه درستی از یک مسلمان آگاه و مسئول ارائه ندادید. از راه خودخواهی، قدرت‌طلبی و انحصار جویی نسبت به کسانی که هم‌آرای و بیرو شما نبودند خشونت بکار بردید اوراق تبلیغاتی، بوسترها و اعلان‌های مستعمل به‌گروه‌های اسلامی و غیراسلامی را پاره کردید. از نظر شما تنها کسانی مسلمان هستند که همانند شما بیندیشند و در همه حال از نظریات شما تبعیت کنند. به کسانی که چنین نیستند و حاضر نبودند زیر چتر رهبری انحصارطلبانه شما جمع شوند اتهام بسی‌دستی، کمونیستی، اتقاقی و انکار قرآن و انقلاب زدید. دشمن و مخالف رهبر و امام معرفی کردید. دوستان و اعضای حزب شما بر روی منابر و در مساجد نامزدهای گروه‌های اسلامی دیگر را غیرمسلمان و کمونیست خواندند.

شما که بدانشان اکثریت اطمینان دارید چه دلیل داشت که آنقدر نگران نتایج انتخابات باشید و در نتیجه برای تضعیف شانس سایر نیروها محیطی از سوءظن و بدبینی در مردم نسبت به‌داناها بوجود آوردید. چرا باید مردم تصور کنند جز شما و نامزدهای شما بقیه افراد غیراسلامی و مخالف انقلاب و رهبر و یا توطئه‌گر و ضد انقلابی هستند، چه کسی این سوءظن و بدبینی را ایجاد و دامن زده است. چه کسی در ذهن مردم و حتی بر گرد محیط رهبری انقلاب چنین توهمی پدید آورده که همه آنهایی که خارج از حزب شما قرار دارند، یا ضد اسلام و ضد انقلاب‌اند یا در اسلامیت آنها تردید است و به‌رحال سوء نیت دارند و فاقد صلاحیت؟

آیا می‌توانید اطمینان دهید که همه افرادی که به‌نامزدهای شما رای دادند با آگاهی و تشخیص درست و شناخت نسبت به‌صلاحیت تک‌تک اعضا رای دادند؟ آیا می‌توانید اطمینان دهید که حضور اعضای حزب شما و پاسداران و مأموران کمیته در حوزه‌های اخذ رای و محیطی که پدید آوردند و توصیه‌ها و تحمیل‌هایی که اعمال می‌کردند و آزادی عمل و تبلیغ انحصاری که داشتند. انتخابات در شرایط مساوی و آزاد برای همه نیروها انجام گردید و پایان یافت؟ حذف نام یکی از نامزدها از فهرست نامزدها در حوزه‌های رای‌گیری و امتناع از اعلام تصحیح آن از رای‌و و دیگر وسائل ارتباط جمعی و عدم تصحیح فهرست‌ها تا آخر وقت روز رای‌گیری را به‌حساب چه بگذاریم. تنها یک اشتباه که اگر چنین بود بعد از تذکر و یادآوری، حتماً جبران می‌شد. به‌دروغ نتایج گردید که امام آنها را طرد کرده است و تنها فهرست بیست‌نهمی شما را تصویب و تصویب کرده‌اند افراد شما اعلان‌ها را پاره می‌کنند و اعلان‌های شما را بجای آن می‌جسبانند افرادی که اعلان نامزدهای دیگر را توزیع می‌کردند بیاد کتک گرفتند، و مضروب ساختند. بعضی پاسداران کمیته‌ها این افراد را بازداشت نمودند. رئیس کمیته‌های نخصاً اعلان‌های انتخاباتی بعضی از گروه‌های مسلمان را پاره می‌کرد و در مقابل اعتراض کسی که اعلان را بر دیوار می‌جسبانند، گفت اینها کمونیست هستند و چون سؤال کرده بود بجه دلیل این حرف را می‌زنید جواب داد بیروید تحقیق کنید. بفرض که قبول کنیم کمونیست بودند آیا رئیس کمیته می‌بایست و حق داشت آنگونه

رفتار کند؟ بدیهی است که وقتی مسئولین افراد را بازداشت و مضروب و اعلان‌ها را نخصاً پاره کنند و رسماً اتهامات ناروا بزنند. افراد و اعضای ساده و پاسداران. رفتاری ده جندان خشونت‌آمیز پیش می‌گیرند. مأمور دیگری اعلان‌های انتخاباتی را از دست دو جوان گرفته و پاره می‌کنند و در برابر اعتراض مردم می‌گوید فلانی را که اینها نامزد کرده‌اند ۴۰ درصد قرآن را قبول ندارد.

## مردم را به تبعیت گورانه می‌خوانید

شما که مبلغ و معلم مکتب هستید چگونه بخود

تبعیت نکن زیرا گوسن و جسم و قلب و ادراک همگی در برابر آن مسؤوول‌اند. مگر شما این تعالیم را آموزش نمی‌دادید، و همه را بسوی آنها فرستادید. چرا در عمل همه را زیر پا می‌نهدید لم تقولون مالا تفعلون - کبر مفتقاً عبدالله ان تقولوا مالا تفعلون جرسا چیزی را می‌گویند که عمل نمی‌کنید آیا نمی‌دانید که نزد خدا گناه بزرگی است که چیزی را بگویند که بدان عمل نمی‌کنید؟ در اعلان‌های تبلیغاتی، سخن امام را به‌گونه‌ای نقل کردید که گویا ایشان تک‌تک نامزدهای معرفی شده توسط شما را تأیید و سقیه را انکار و رد کرده‌اند آیا اینعمل یا اصول تقوی سازگار است؟

## کسب و حفظ قدرت برای شما هدف است

شما پنحو بدی شیفته قدرت و گسترش پالهای

- شما خود را وارث و پاسدار انقلاب اسلامی می‌دانید، ولی روش شما مستقیماً بزبان انقلاب و حیثیت و اعتبار مکتب بود.
- چرا باید مردم تصور کنند جز شما و نامزدهای شما بقیه افراد، غیر اسلامی و مخالف انقلاب و رهبری و یا توطئه‌گر و ضد انقلابی هستند.
- افرادی که اعلان نامزدهای دیگر را توزیع می‌کردند، بیاد کتک گرفتند و مضروب ساختند.
- مبلغین شما بمردم گفتند فقط یک لیست اسلامی است و بقیه از آن، دشمنان اسلام و انقلاب است.
- با ادعای داشتن نمایندگی انحصاری مکتب، باید متوجه باشید که سست شدن اعتماد مردم نسبت به‌شما دامن مکتب را خواهد گرفت.

و بیرون خود اجازه دادید توده را تا آگاهانه بچیزی بخوانید که نمی‌دانستند و نمی‌شناختند من خود شاهد بودم مأمور شما در کنار صندوق رأی در حمایت پاسداران و مأموران رأی‌گیری - افراد بیسواد با کم‌سواد را وادار می‌کرد فهرست پیشنهادی شما را بنویسند و یا خود برای آنها می‌نوشت و وقتی از رأی‌دهنده پرسید می‌دونی به‌چه کسی رأی می‌دهی گفت نه این آقا برابم می‌نویسد.

مبلغین شما بمردم گفتند فقط یک لیست اسلامی است و بقیه از آن دشمنان اسلام و انقلاب است. آیا این طرز عمل با نبیوه قرآن که اجازه دهید افراد اقوال را بخوبی و بدون هیچ قضاوت قبلی گوش دهند و بهترین را انتخاب کنند - آیا آن تبعیت ناآگاهانه یا این فرمان خدا مطابقت دارد - لا تسقف مالیس لک به‌علم ان اسمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلاً - از چیزی که بدان علم نداری

## اصل خدا مالکی

خواهیم دید پیامبر قدم به‌قدم در هر موقعیت مناسب تکلیف آنها را روشن می‌کند.

احکام و قوانین اسلامی چه در قرآن و چه در سنت رسول نه یکباره و همراه باهم بصورت تدوین شده در یک کتاب - بلکه بتدریج و در بر خورد با هر موقعیت نازل و صادر می‌شده است.

در یک شرایط انقلابی جز این، روش دیگری محکوم به‌نکست است وقتی نهضتی به‌کمک انقلاب فهارمز به‌بیروزی می‌رسد و قدرت سیاسی را بدست می‌گیرد بلافاصله یک قانون اساسی کامل و تمام عیار و مدون عرضه نمی‌کند و میباید کار قرار نمی‌دهد. بلکه براساس پیش فکری و اصول مکتب که به‌تدریج است - در برخورد با هر مسئله.

را حلی پیش می‌کنند و دنبال می‌کنند - چند سال با این روش نظم گذشته‌اند! برهم می‌زنند و ترتیبات تازه برقرار می‌نمایند - دست آخر وقتی نظام جدید استقرار یافت و ضعف و قوت راه‌لها آشکار شد می‌توانند و قانون اساسی را تدوین می‌کنند.

البته قوانین اساسی اسلام از سرچشمه وحی نازل می‌گردید و از پیش همه‌چیز نزد خدا معلوم بود - لکن برای مردم به‌تدریج نازل شد.

حتی با پدید آمدن موقعیت‌های تازه بعضی احکام که موقعیت اضطراری آنها تسخیر کرده و علت وجودیشان از بین رفته بود. فسخ شدند.

نکته سوم هر حکم و دستوری حتی اگر بصورت توصیه اخلاقی باشند از یک سببه مکتبی و مبتنی اساسی‌تری برمی‌خیزد و در هر حال نمی‌تواند با اصول مغایرت و در تضاد بوده آنها را نقض کند.

پس اگر فرمانی با توصیه‌ای در ظاهر صورت یک اصل نداشته باشند مستحب از اصول و مذهبگ با آنهاست توصیه رسول خدا دائر بر عدم قروش خانه‌ها

مقتسی را که بخاطر آن مردم بحرکت در آمدند و بسوی شما جلب شدند، زیرا با نهد، ناچار خواهید بود هر کس و هر تیرونی را که با شما موافق نیست با خشونت طرد کنید و سرانجام در راهی که نظامات ضد مردمی رفتند، گام بزنید.

راه دوم بیروی از اصول و گام نهادن در جاذبه درستی و صداقت و احترام به‌آزادی و ارزشهای انسانی و موازین قرآنی است. در صورت بی‌موردن راه اول برای حفظ قدرت ناسچار از کناربرد و روشهای استبدادی خواهید بود و در صورت بیروی از شیوه دوم، احتیاجی به‌آن روشها نخواهید داشت.

با ادعای داشتن نمایندگی انحصاری مکتب، باید متوجه باشید که سست شدن اعتماد مردم نسبت به‌شما دامن مکتب را خواهد گرفت و دگر بار نسل‌های جوان از مذهب و از مبلغان مذهب بدبین خواهند شد - شما فاصله بین جوانان و روشنفکران و روحانیون را که انقلاب ایران و رهبری امام پر کردند، مجدداً خالی و عمیق می‌کنید.

عملکرد شما، ارزشهای مکتبی را نزد توده خوار و بی‌مقدار می‌سازد. بدبینی مردم بزودی جای خود را به‌نارضایتی و سرانجام معارضه خواهد داد و آنگاه شما برای حفظ قدرت به‌قدرتهای ضد مردمی بیشتر و بیشتر اتکا، خواهید کرد.

شما بدین خاص فکری و علائق شخصی با گروهی و صنفی به‌شما اجازه ندهد، پیش از آنکه خیلی دیر شود، بخود آید ولی برای خدمت به‌خودتان و به‌انقلاب و مکتب راه دیگری در پیش ندارید، قدرت را وسیله‌ای برای خدمت به‌هدف و اصول و ارزشها بدانید. جامعه‌ای که شما در صدد بنا کردن آن هستید از روح آزادخواهی، برابری و تسامح اسلامی سخت بدور است.

بجای کسب و حفظ قدرت از این راه‌های غیرمنطقی و غیراسلامی، سعی کنید با حل مسایل اساسی جامعه و انقلاب با تساهل و از امتنی اعتماد توده را جلب و روشنفکران و جوانان را مجذوب خویش سازید. آری در برابر دوراهی تاریخ حیات خویش قرار دارید راه استیاد و ارتجاع و شیوه‌های غیر اسلامی و ضد مردمی و راه احترام به‌مکتب و ارزشهای قرآنی و آزادهای انسانی.

اکنون چند قدمی در راه اول پیش رفته‌اید - ولی هنوز دیر نشده است اگر بخواهید می‌توانید بشرطی که بر تمایل قدرت‌طلبانه و انحصارجویانه خویش فائق آمده به‌اندیشه‌های کهنه و علائق شخصی و حزبی غیراصولی و ضد تسویدی پشت کنید.

نمیدانم نهامت و همت و تقوای انجام این تغییر را دارید؟ با امید و آرزو والسلام

لا اقل تا آن زمان در تاریخ بی‌سابقه بوده است - زندگی اقوام ابتدائی را کنار بگذاریم - در هیچ یک از مذنبت‌ها این نوع تغییرات انقلابی دیده نمی‌شود.

وقتی دستورات و اقدامات پیامبر و آیات قرآن را جمعاً در کنار هم قرار می‌دهیم نگرش اساسی اسلام بمسائل نظیر مالکیت زمین - مسکن، ابزار کار و نحوه بهره‌برداری و استفاده و سهم شدن در تروتهای طبیعی بخوبی معلوم می‌شود.

بر طبق حدیثی که در فوق ذکر شد مال و ثروت و زمین و نعمت‌های آن در اصل متعلق به‌خداست که برسم امانت به‌انسانها سپرده می‌شود افراد باید اولاد حفظ اسانت خدا بکنند از اسلاف، افساد و اسهدام آن جلوگیری می‌کنند. تأتیباً بقدر احتیاج و در حد اعتدال از آن استفاده کنند و مابقی را به‌صاحبان اصلی یعنی مردم باز گردانند - از نعمت‌های خدا نسد هر کس همان قدر به‌امانت گذاشته شده است که کار و کوشش انجام داده و احیاء کرده است. اگر از راهی غیر از این چیزی در اختیار بگیرد در خطا فته و حقی بدان ندارد - در صورت انجام کار و عمل مثبت - تازه سهم وی از آنچه برسم امانت تعینش می‌شود - به‌اندازه احتیاج و در حد اعتدال و میانبروی است و مازاد بر آن هرچه مصرف کند (حتی از مال خود) طبق فرموده امام حرام است. زیرا مصداق اسراف پیدا می‌کند و بر طبق نص قرآن، اسراف از جانب خدا منع شد و حرام شمرده شده است روایت مزبور یک حقیقت مهم دیگری را هم بیان می‌کند:

## چرا تفاوت در ثروت پدید می‌آید

اگر افرادی در نتیجه شرایط و مقتضیات خاص (دانشن امکانات علمی و فنی بیشتر و یا محیط مساعد و نظایر آن) سهم بیشتری از نعمت‌های خدا برسم امانت بدست آورند. به‌حساب کرامت خاص خدا به‌خودشان نگذارند و نگویند لطف خدا به‌ما بیشتر بود یا اگر کسانی بدلائل مشابهی سهم کمتری را نصیب بردند،

# آمت

نگویند و تصور نکنند که خداوند آنها را مورد بی‌مهری قرار داده و نزد وی خوار و ناپسند بوده‌اند - بلکه این تفاوت نتیجه شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه و مناسبات بین مردم و روابط تولید اقتصادی است.

این تفاوت‌ها خود آزمایش و ابتلای است برای هر دو دسته تا چنگو به‌آن موقعیت‌ها بر خورد می‌کنند - آنکس که نصیبی بیشتر برده حق خود می‌داند و همه را احتکار با اسراف می‌کند با مساراد سیر احتیاج را به‌صاحبان اصلی اش باز می‌گرداند - چنانکه در سوره فجر می‌خوانید الا قاما الانسان اذا ما تلبه فاکرمه و ثمه فبقول ربی اکرمین و اما اذا ما تلبه فقدر علیه رزقه فبقول ربی هاسن - کلاً بسل لانکره موسون التیم - ولا تحاضون عنی طعام المسکین - و تاکنون اثرات اکبلاً نما و تحجون المال حیا جمآه فجر ۱۵-۲۰

(اما هرگاه انسان را پروردگارش آزمایش کند گرمایش دارد و نعمتش دهد گوید پروردگاره مسرا گرمی داشت - و اما هروفت بیازماید و بر او تنگ گیرد پس گوید پروردگاره مرا خوار داشت - نه چنین نیست بلکه این تفاوت نتیجه استتک) بنیمان را گرمی ندارید و بر خوراک بیویان ترغیب نمی‌کنید و میراث را یکجا می‌خورید و مال را بشدت دوست دارید.)

## بقدر احتیاج و در حد اعتدال

از این رو معلوم می‌شود که همه افراد به‌نسبت احتیاج خود در نعمت‌های خدا و در محصول اجتماعی سهم دارند - می‌گویم محصول اجتماعی تا از مواد خام مجزا کرده باشد، نه مردم در نعمت‌های خدادادی حق مساوی دارند و در محصول و تولید اجتماعی به‌اندازه نیاز سهم و شریک‌اند و محصول اجتماعی، کالاهای و تروتهای است که مردم با کار خود بوجود آورده‌اند - آری مردم در محصول کار ما هم سهم و شریک‌اند. اما کسی که با کار خود ترونی تولید کرده یا کالایی بوجود آورده با خانه‌های ساخته در استفاده از آن به‌اندازه احتیاج بر دیگران مقدم است. اما بر طبق فرامین رسول و احکام خداوند نباید جلوی استفاده دیگران را از مازاد بر احتیاج خود بگیرد. در رابطه با مسئله مسکن دیدیم که پیامبر در آغاز مردم مدینه را از فروش خانه‌ها منع فرمودند - دلیل این منع چه بود؟ افراد در چه شرایطی اقدام به‌فروش خانه خود می‌کنند، زمانیکه خانه اضافی است و بدان احتیاج ندارند و زمانیکه از روی اضطرار ناچار به‌فروش آن شده است. در هر دو حال، رسول خدا آرا منع می‌کند - اگر اضافی است و احتیاجی ندارد - باید در اختیار برادر موفتش بگذارد و اگر خود احتیاج دارد و آماروی نیازمندی می‌خواهد بفروشد بار برای خود نگاهدارد - نیازمندی را او بیت‌المال ساد دیگر برادران مؤمن بر طرف می‌سازند.

در میان مومنان مدینه توحیدی در حال استقرار است در شهر خانه‌هایی است بعضی مسکون و خانواده‌هایی در آنها سکوت دارند، و بعضی غیرمسکون - وقتی صحبت از خانه می‌شود باید اطاق مسکونی را در نظر بگیریم نه خانه‌ای با اطاقهای بسیار به‌عنوان یک واحد مسکونی بلکه واحد مسکونی را یک یا چند اطاقی فرض کنیم که خانواده‌ای برای سکونت خود (در حد اعتدال) بدان نیازمندند.

ابتدا قروش اطاقها و خانه‌ها منع می‌شود تا هر کس اضافه دارد به‌نیازمندان ترفند دوم مقرر می‌شود هر کس بقدر احتیاج در حد اعتدال اطاق در اختیار گیرد - تا این مقدار حلال است و زیاده بر آن حرام - سوم مقرر می‌شود کسی بدون آشنایی قبلی و بی‌اند صاحب خانه وارد خانه و اطاق مسکونی نشود نه بمنظور تصاحب آن و نه سرزده بمنظور دیدار - اطاق یا خانه مسکونی در درجه اول حق کسی است که در آن ساکن است - به‌اضافه خانه محل امن و آسایش خانواده است و باید از تجاوز و دید دیگران معفوظ بماند لذا بی‌خیل وارد شدن و ایجاد مزاحمت ممنوع است.

اما اگر اطاق یا خانه‌ای غیرمسکون است ورود اشکال ندارد.

«لاندخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنوا و تسلّموا علی اهلهما ذلکم خیر لکم - فان لم تجدوا فیهما احداً فاندن - حتی یسؤن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هواز لکم لکی - لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتاً غیر مسکونه» نور ۲۸-۳۰

(قبل از آشنایی و سلام کردن به‌خانه‌هایی غیر از خانه خودتان وارد نشوید اگر کسی را در اطاق نیافتید بی‌اجازه (اهلش) داخل نشوید و اگر شما گفته‌اند برگردید، مراجعت کنید که برای شما پاکیزه‌تر است - اما بر شما گناهی نیست که به‌اطاقهای غیرمسکون وارد شوید)

حتی بر طبق گفته امام صادق - «اجازه گرفتن فقط برای ورود به‌اطاق‌هاست ورود به‌خانه احتیاجی به‌اجازه ندارد»

# تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

# ارتش تصفیه نشده، به صحنه باز می‌گردد!

یکی از حیاتی‌ترین و بحث‌انگیزترین مسائلی که بعد از انقلاب بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و... مطرح شد و هنوز هم زمینه‌های طرح و بحث آن وجود دارد، مسئله ارتش و نحوه برخورد با آن است. اهمیت موضوع آنجا نمایان می‌شود که ارتش قدرت خود را در برابر برخوردهای داخلی هر روز بیش از پیش به نمایش می‌گذارد.

برای شناخت بهتر ساخت ارتش باید به دوران تسلط استعمار انگلیس قبل و بعد از کودتای ۱۲۹۹ رجوع کنیم تا با شناخت از مواضع ارتش در برابر جنبش‌ها و قیام‌های مردمی و نهضت‌های رهایی‌بخش جهان اهمیت مسئله را بهتر درک کنیم. تذکر این نکته ضروری است که این مسائل بطور اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد و جای تجزیه و تحلیل آنرا بوقت مناسب‌تری ارجاع خواهیم داد. استعمار و امپریالیسم بدلیل خصلت جهان‌خواهی و جبار، دست بایجاد پایگاه‌ها و مراکز در کشورهای تحت سلطه، جهت حفظ منافع و سرکوبی مردم می‌زند. یکی از سهم‌ترین این مراکز، ایجاد ارتش ضد خلقی است تا وسیله آن بتوانند ندای هر گونه آزادی خواهی و عدالت‌جویی را در نطفه خفه کند. کشور ما که بدلیل موقعیت مهم جغرافیایی و داشتن منابع و معادن غنی جای مهمی را در بین کشورهای جهان سوم دارا بود، بالطبع از هجوم استعمار و امپریالیسم بخصوص انگلیس و بعد آمریکا در امان نماند.

عملکردهای استعمار انگلیس قبل و بعد از کودتای ۱۲۹۹ در برابر جنبش‌ها و قیام‌های توده‌ای - بخصوص قیام مسلحانه مبارز کسجک در جنگ‌های شمال، قیام محمدتقی‌خان سپان در خراسان، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، تلاش مجاهدان راستین و مبارز در تهران و... که علیه نهادها و ارزش‌های بوسیده نظام حاکم در حال مبارزه بودند، بخوبی نمایانگر این نکته است که بزرگترین پایگاه و مرکزی که برای سرکوبی جنبش‌ها و به بند کشیدن مردم فه‌رمان در خدمت آنها بکار رفت، همانا ارتش بود.

مسئله حاکمیت استعمار انگلیس بر ارتش برای بخطر نیفتادن منافع دراز مدت خود، تا آنجا اهمیت داشت که حتی در قراردادهای خانانه‌ای که بسته می‌شد، توجه باین حاکمیت کاملاً ضروری بود. از جمله این قراردادها که بین انگلیس و نوکر حلقه بگوش یعنی ولسوال‌دوله بسته شد، قرارداد معروف ۱۹۱۹ است که علاوه بر مسائل مادی آن، نظارت و کنترل انگلیس بر ارتش کاملاً تصریح شده است. جالب‌تر از این قرارداد، هیئت عالی نظارت انگلیس مرکب از ژنرال «دیکسن» و ژنرال «آبرون سایده» و... وارد ایران شدند و بستهای حساس ارتش مثل وزارت جنگ و ژاندارمری را تصاحب کردند. ولی هویتاری و مخالفت مردم ما، موجب شکست سیاست انگلیس در این زمینه شد. استعمار کار کثرت انگلیس که منافع عظیم خود را در خطر میدید و بعثت اهمیت سوق الجیشی ایران و ضعف، بی‌لیاقتی و بی‌اعتباری خاندان قاجار به - به‌منابه دولت مرکزی مقتدری که حامی و خدمتگزار استعمار انگلیس باشد - لذا بشیوه‌ای نوین و طرحی نو برای باسارت در آوردن دوباره ملت ما، در صدد کودتا و تغییر حکومت و سلطنت برآمد.

عاملی که مورد بهره‌برداری نقشه‌های نوم انگلیس، قرار گرفت، رضاخان قلندر بود. وی به‌محض روی کار آمدن و تثبیت قدرت خود، بیشترین توجه را بیکه برای دگرگونی و تغییر دادن نهادها و مراکز تحت سلطه استعمار، صرف کرد سازمان و تشکیلات ارتش بود - آنجا که بی‌ریزی و بنای «ارتش نوین» ریخته می‌شود - آنچه که از عملکرد «ارتش نوین» رضاخانی در طول ۲۰ سال حکومت اختناق و استبدادی در برخورد با مسائل، برجای ماند، چیزی جز انواع ستم‌ها، جنایات، میکیدن خون زحمتکشان، قلع و قمع جنبش‌ها و قیام‌های مردمی، سرکوبی کردها و عشایر و... نبود.

**شاه به‌تنها حربه ممکن یعنی ارتش تکیه داشت**

اهمیت مسئله آنجا آشکار می‌شود که این ارتش هیچگاه در جهت منافع و مصالح توده‌ها بکار نرفت و همواره ابزاری در دست طبقه حاکمه برای سرکوبی و نابودی مردم و حافظ منافع استعمار انگلیس بوده است. تجربه تلخ و ناگواری دیگر که از ارتش برای ما برجای ماند، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توسط شاه خائن و امپریالیسم جوان و تازه بدوران رسیده آمریکا بود، که بطور بی‌سابقه‌ای مناسبات و روابط حاکم بر ارتش در جهت اهداف این جهان‌خواه تازه‌ها، دگرگون و تغییر یافت.

شاه جلاهدلیل ندانستن پایگاه مردمی و همچنین جهت حفظ سلطه استعمار گرانه ارباب جدید خود، به‌تنها ابزار ممکن یعنی ارتش دل بست. آنجا که با آمدن هزاران مستشار آمریکائی و خرید میلیاردها دلار اسلحه و تجهیزات نظامی از پول خون و عرق مردم مستضعف ما، «ارتش شاهنشاهی» بی‌ریزی می‌شود.

این ارتش که پیش از هر وقت دیگری شدت «سیاست‌زدانی» شده بود، از سوی امپریالیسم آمریکا بصورت یکی از پر «قدرت‌ترین» نیروهای منطقه و «بنجمین قدرت» بزرگ دنیا درآمد. فرهنگ «آریامهری» بکمک صهیونیستها چنان سیستماتیک و بطور منظم در فکر و رفتار ارتشیان رسوخ داده شد که تا وقتی که انقلاب اسلامی ما بسواج خود نرسیده بود، کمتر اطلاعی از خواستهای مردم ما داشتند و تا آخرین لحظات پیروزی انقلاب این تصور برایشان بود که گویا اینها عده‌ای «خوابکار» «کمونیست»، «اجبرنده از طرف دولتهای خارجی» هستند که علیه «سلطنت» و «حاکمیت ملی و استقلال ایران» مبارزه می‌کنند. ارتش نه‌تنها در جهت خواستها و منافع نیروی استعمارگر آمریکا، در ایران آرایش و سازماندهی شد، بلکه برای مقابله با انقلابیون منطقه (طغارا) جهت حفظ منافع ارباب خود نیز گسیل شد. حتی پس از این «موفقیت‌ها» زمره ارسال نیروهای ارتشی برای حفظ سلطه آمریکا در شاخ آفریقا، تنبیه شد.

بطور خلاصه حاصل دست‌آورد‌های این ارتش در طول چند سال «حاکمیت» خود کودتای ۲۸ مرداد، کشتار ۱۵ خرداد ۴۲، جنایت ۱۷ شهریور، اول محرم و... را برای ملت ما به‌ارمغان آورد. با اوج‌گیری انقلاب ایران و پیروزی سریع آن در مرحله اول و طبعاً دوران کوتاه برخورد مسلحانه با رژیم، این امکان داده شد تا نیروهای مسلح مردمی اسلامی رشد نیافتند تا ارتش مردمی و آزادی‌بخش که در یک انقلاب درازمدت و بالنتیجه برخورد دائم با ارتجاع و دشمنان خارجی و بر مبنای آموزش‌های سیاسی - مکتبی و بسالایرین شعور و آگاهیهای اجتماعی در آنها شکل می‌گیرد، ساخته شود.

## ضعف دولت در برابر حل مسائل اساسی باعث بوجود آمدن حوادث ناگوار گردید

اما مسئله مهمی که پس از انقلاب برای نیروهای اصیل و مبارز اسلامی مطرح شد، همانا حفظ دست‌آورد‌های این انقلاب مکتبی و تکامل و سوق دادن آن بطرف جامعه ترحیمی بود. متأسفانه پس از انقلاب با فرقه‌گرایی و حزب‌بازی و انحصار طلبی نمدیدی که از طرف افراد و دسته‌هایی اعمال شد، ما شاهد از دست دادن پایگاه‌هایی هستیم که با سنگ و خون مستضعفین بدست آمده است.

در این دوران شاهد هستیم که چگونه همافران دلیر در مورد «انتصابات»، «ابقای سیستم قبلی» و «بازگشت امرآه و تیماران» مزدور به‌صحنه ارتش، نگرانی نمدید خود را با نامه‌ها، اعلامیه‌ها و با تحمصن بگوش خلق و «مقامات مسئول» می‌رسانند. همافران به‌آگاهانه‌ترین وجهی هشدار میدهند که: «... تعدادی دیگر که سالها دوشادوش مستشاران آمریکائی، طرز زندگی غربی و نحوه نوکر بودن آمریکائی را فرا گرفته‌اند و... از محلی به‌مسحل دیگری نقل مکان کرده‌اند. حتی تعدادی که باز نسنسته شدند ارتقاء بست گرفتند!!»

آیا این هشدار برای دولت زنگ خطری نیست که قاطع و انقلابی با مشکلات و مسائل برخورد کند و نه به‌عنوان «موقت» بودن خود را از حل حوادث و بحرانها کار بکشد؟

پرسیدنی است چرا پس از انقلاب سران هیچ اداره و تشکیلاتی پاندازه ارتش دچار دگرگونی و تغییرات نشد؟ چنانکه در غرض مدت کسوتاهی چندین «امیر» و «تیسار» رفت‌آمد تا بسالآخره چشمان به‌آخرین میوه انتصاب یعنی سر تیب حسین

ناشر فرمانده ستاد که در دفتر ویژه جلاهد - دفتر ویژه جزو قسمت‌های طبقه‌بندی شده محرمات ارتش محسوب میشد و رابطه بین شاه و دستگاه دولت بود - به‌تعمیل و ضعیف بیش از حد دولت در برخورد با مسائل از جمله مسئله ملیت‌ها، در هفته‌های اخیر باعث بوجود آمدن حوادث کردستان و خوزستان و غیره شد. همین عدم برخورد قاطع و انقلابی دولت در برابر مشکلات، به‌نیرویهای انحصارگر و فرصت‌طلب این امکان را داد تا از قدرت ارتش در جهت پیشبرد مقاصد خود بخوبی استفاده کرده و عنوان کنند که ما «خواستار دخالت مستقیم ارتش و نیروهای نظامی در سرکوب نمودن عوامل وابسته به‌بیگانگی» هستیم. وجه زبرکانه این «خواست» را از زبان تمامی مردم مبارز و مسلمانان اصیل مکتبی عنوان کردند.

در حالیکه مسائل و مشکلات ملیت‌ها در یک چهارچوب امت اسلامی، بخوبی قابل حل و فصل است، در مریوان شاهد هستیم که عرق انقلابی مردم

## بقیه از صفحه اول مشروطیت

مشروطه و آزادخواهان شروع می‌شود و بتدریج تضاد بین رژیم و مردم عمیق می‌شود، با ستوب بنه ثمن مجلس، استبداد حالت جدی بخود می‌گیرد و جنبش در سیری تازه قرار می‌گیرد سیمای سالم‌آميز جای خود را بشکل فهر آميز میده و بتدریج بست نشستن‌ها و اعتراض‌های تراکت ما بانه تبدیل به عسارت نظامی و انقلابی میگردد.

## جریانهای فکری انقلاب مشروطیت

بطور کلی دو نوع جریان فکری و باالعال دو جناح متفاوت در جنبش مشروطیت بچشم می‌خورد، یکی جناح لیبرالیستی و اصلاح‌طلبانه که کاملاً با قیام مسلحانه مخالفت می‌ورزید تا عملاً با سکوت، عدم حمایت خود را از آن اعلام دارد. و سعی میکند انقلاب را از مسیر غیرحقیقی و غیرواقعی بینانه، یعنی از طریق ارضای شاه و دربار و بسند و انبندز هیئت حاکمه حتی یادویی در آستان روس و انگلیس و از طریق مجلس - که ماهیتش سرعت عوض شده و نمایندگان واقعی جای خود را به فئودالها و شاهزادگان و دوله‌های و سلطه‌ها داده‌اند به‌نتیجه مطلوب خویش رسانند. دوم کسانیکه طعم پیروزی را بطریق مسلحانه نسیک چشیده‌اند و این را تنها راه بکری نشانند. خواست‌های خود تلقی میکنند و جداً به انقلاب گرایش دارند. علیرغم جناح اول که عمدتاً از روحانیون، روشنفکران و کثرتان دوربرجه و درباریان و فئودالهای حقه‌باز و بطور کلی طبقه مرفه تشکیل شده بود، جناح دوم را مردمانی از طبقات پایین و کم‌درآمد شهری و بعضاً روشنفکران مبارز روحانی و غیرروحانی و سرمایه‌دارانی چون علی موسوی - بهسرکردگی ستارخان بر کرده‌اند. چه بسا اوقسانی که کسارتکشی‌ها و سنگ‌اندازی‌های بی‌مورد و با‌مورد دسته اول به‌نفع ارتجاع حاکم صحنه را بر مبارزین و دردمندان اصیل

هنوز خنک نشده، دولت ارتش را روی در روی مردم قرار میدهد و مطرح می‌شود که یکی از موارد توافق نامه مریوان، باید حضور ارتش در آنجا باشد. مسئله حضور ارتش در مریوان را آقای چمران معاون نخست‌وزیر بیرونی توضیح میدهد. آنجا که در مقابل شوال خبرنگار می‌گوید: «ضامن اجرای اصول مورد توافق ارتش است یعنی ارتش تصمیم گرفته که امنیت را در منطقه برقرار کند. اگر با سلاح و محبت بذیرفتند فیه‌المراد والا بسازور و قدت و وارد خواهد شد و امنیت را در منطقه برقرار خواهد کرد» دست مریزاد آقای چمران!

مگر خلق مظلوم و ستمدیده ما در زمانیکه وجود شما خارج از کشور بود در مقابله با ارتش مزدور که شهید داد که اینبار می‌خواهید در مقابل ارمغان و رهاورد شما - «زور و قدرت» - با شهید به‌پیشواز تان بیاید!

و بعثت عدم اطلاع از محیط و خواسته‌های مردم، سرانجام نتیجه می‌گیرند که «بنابراین ضامن اجرای توافق وجود ارتش و قدرت ارتش در منطقه است»

## چرا فرصت مناسب برای عناصر نامطلوب بوجود می‌آوردید؟

در جائیکه هنوز بخشی از سرسخت‌ترین و بسگیرترین حامیان شاه خائن دست‌پرورده‌های سیستم آمریکائی و صهیونیستی در ارتش تصفیه نشده و حضور خود را بیش از پیش مسلط بر اوضاع می‌کنند، روی در روی قرار دادن ارتش در مقابله با خواسته‌های مردم فرصتی مناسب بدست عناصر نامبرده برای احراز بست‌های حساس و تثبیت روابط گذشته میدهد که این خطری بزرگ برای انقلاب است.

در جائیکه دهات و شهرهای مرزی ما توسط دولت هسایه پیماران میشود و آقای وزیر امور خارجه آنرا «سوء تفاهم» می‌نامد و در حالیکه گفته و شنیده میشود عملاً امپریالیسم و صهیونیسم و شاه خائن در کوه‌های مرزی جای گرفته و علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند، نه‌تنها حضور ارتش در این مناطق احساس نمیشود بلکه مرزهای ما بر روی مرطه‌های بین‌المللی باز است، ولی در مقابله با

تنگ میکند و در مقابل حمایت‌های بیدریغ علمای نجف از انقلابیون و مبارزین و تشویق آنها بمبارزه با استعمار و ارتجاع نقش مؤثری در روند مبارزه از خود بجای می‌گذارد. با وجودیکه این دسته‌بندی براحتی قابل تشخیص است، اما عدم وجود یک مرکز بندهی دقیق و اصولی در کل مبارزه که عمدتاً ناشی از مسامحه‌کاری و معاشات رهبران است، بچشم می‌خورد. مرتجعین و مزدوران وابسته به‌بیگانگی براحتی ماسک انقلابی بچهره می‌زنند و چند صباحی در صف مبارزین قرار می‌گیرند و چه‌بسا در مصدر کارهای مهمی از جانب رهبران قرار می‌گیرند و همین عناصر در موارد منفعتی با تعویض جایگاه به‌ضدیت! با انقلاب برمی‌خیزند. این حالت بی‌سببیتی آگاهانه در بسیاری از عناصر وابسته بدربار، روس و انگلیس دیده میشود. زمانی در صف انقلاب و زمان دیگر در جبهه اصلی خود یعنی ارتجاع و ضد انقلاب قرار می‌گیرند. این ضعف نشانگر فقدان یک چهارچوب اصولی و قاطع است که صف انقلاب و ضد انقلاب را روشن بکند. سادگی و خوش‌سأوری و حتی خوش‌بینی بسیاری از رهبران میدان استفاده را برای بسیاری از این قبیل عناصر باز می‌گذارد.

## انقلاب بکجا می‌انجامد؟

ارتجاع و امپریالیسم از همه‌گیر شدن انقلاب که میرفت منافع بلید آنان را بحفاظت درازمدت سخت بهراس می‌افتند و از این می‌ترسند که در میان شعله‌های خشم و کینه انقلابی توده‌ها سایه بشوند و از آسب آنکه مسیادا دانه‌های انقلاب هم‌جدا را بگیرد و از آنجائیکه قادر نشده بودند مبارزین را در میدان مبارزه شکست بدهند. با بمیدان فرستادن مهره‌های خود و فتح تهران مسیر انقلاب را به‌انحراف می‌کشاند تا فرار محمد علی‌شاه مردم کار را تمام شده تلقی می‌کنند. عملاً نیروهای ارتجاعی و فرصت‌طلبان و مزدوران بیگانه که در کشتاکش انقلاب با روی در روی خلق و مساجدین ایستاده بودند با حیوانه مهر سکوت برنیزده بودند. زحمت و جانفشانی‌های بیدریغ، ملق را دودستی تقدیم غارتگران امپریالیست میکند و مجدداً جنبش را به‌همان سبیری می‌اندازد که ارتجاع و امپریالیسم در آرزویش

کوکچکترین اعتراض و واکنشی که از طرف مردم برای احقاق حقوق از دست رفته خود نسنیده میشود، ارتش با تمام قدرت برای سرکوبی مردم می‌نشانند. و این قدرت نسایی در سخنان آقای چمران بخوبی آشکار است که: «ارتش با قدرت نظامی خودش قادر خواهد بود که مخالفین خودش را سرکوب کند» آقایان! مگر تجربیات همین سالهای گذشته را فراموش کرده‌اید که شاه جلاهد بعثت ندانستن پایگاه مردمی، حضور از قدرت ارتش سود ببرد و هزاران خواهر و برادر ترک و کرده و عشایر را بدلا تل بویج و واهی شهید کرد؟ یا نکیه بر «زور» و از موضوع «قدرت» در چه سبیری می‌خواهید این ملت محروم و زحمتکش را سوق دهید؟

راه چاره‌ای که برای در مان این سحرانها و گسرتاریها وجود دارد، همانا تشکیل و ایجاد نوراهای واقعی در تمام ارگانها و نهادهای جامعه از جمله ارتش است. تمام قشرها و بخش‌هایی از جامعه که تحت ستم و اختناق نمدید «آریامهری» بوده‌اند، از تشکیل نوراهای بخوبی استقبال کرده و از آن حمایت می‌کنند.

در جائیکه نیروهای اصیل و انقلابی مسلمان و همافران نگرانی خود را از عدم تصفیه عناصر خود فروخته ارتش، بازگشت اطاعت کور کوران، عدم بازسازی و بی‌ریزی ارتشی مردمی و... ابراز میدارند، ضرورت تشکیل شوراهای برای حاکمیت محرومین و مستضعفین، بیش از پیش نمایان میشود.

بی‌انیم تا دیر نشده و فرصت‌ها از دست نرفته است به‌پیشنهاد حضرت آیت‌الله طالقانی و بامر امام خمینی، در مورد ایجاد شوراهای در تمام سطوح جامعه گوش فرا دهیم و این ملت مظلوم و ستمدیده را در جهت برقراری و ایجاد شوراهای هدایت و تشویق کرده تا بتوانیم توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع را خنثی کنیم - چرا که خون هزاران شهید و رتیقه اقدام انقلابی ما ست.

- ۱ - نامه همافران نیروی هوایی خطاب به‌نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران - امت شماره ۱۵
- ۲ - تقاضنامه ستاد برقرار کننده راهبیمانی و حمت - آیدگان چهارشنبه ۲۷ تیرماه
- ۳ - ۵، ۴، ۳ - کیهان پنجمین ۱۱ مرداد ماه صفحه ۸
- ۴ - توضیح اینکه تا هنگامیکه کارخانه‌داران، فئودالها و... در کارخانه‌ها، روستا و... وجود دارند بتجربه ثابت شده است که کارگران، دهقانان و... بعثت اعمال نسف‌آنها نمی‌توانند شوراهای واقعی خود را تشکیل دهند.

## حنیف

بود، مرتجعین داخلی که ستارخان و سایر مساجدین اصیل را تنها سدره منافع خود و اربابانشان می‌بینند. ارتجاع که هنوز طعم جنگ‌های یازده‌ماهه را بیاد دارد و می‌داند مادامیکه ستار، باقر در تبریز هستند اجزای نقشه‌های خائانه‌شان با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد با لطایف‌الجبل آنان را به‌بهران می‌کشند و با بگوله بستن مبارزین جان بر کف ماهیت بسلید خود را نشان میدهد و میدان را برای خوش رقصی خود به‌بیگانگان وسیع‌تر می‌سازد. انقلابیون اصیل کنار گذاشته میشوند. فرصت‌طلبان، مستبدین و مزدوران حاقق با مساسکی جدید و شبه انقلابی در مصدر کارها قرار می‌گیرند. عین الدوله که کینه و نفرت او به‌انقلابیون زباززد عام و خاص بود مجدداً بمیدان می‌آید.

## درسی که از انقلاب مشروطیت میتوان گرفت.

از طرفی فقدان دانش انقلابی در جریان مبارزات و نبود نیروی پیشنار مسنج مردمی که قادر باشد کادرهای لازم‌های را در پروسه انقلاب ساخته و برای مقابله با ارتجاع و امپریالیسم آماده باشد و از طرف دیگر عدم بیش صحیح سیاسی در بین توده‌ها و اکثر رهبران - که عموماً تغییر وضع موجود را در تعویض شاه و حاجیانی مهره‌ها می‌دیدند. و بسیاری مسائل فرعی دیگر دست ارتجاع را برای قبضه قدرت و دست‌اندازی بسیمرات شهنشاد و طرد مجاهدین از صحنه، باز می‌گذارد. مسئله‌ایکه امروزه نیز انقلاب ما و خلق ما بار دیگر شاهد و ناظر آنست، بسفرت رسیدن لیبرالها و نیروهای مستغفل و سازش‌کار سیاسی و فرصت‌طلبین جدا از توده‌ها که عمدتاً فاقد بیش انقلابی و برنامه اصولی منطبق بنا موازین انقلاب و خواسته‌های مردم و رهبری هستند، می‌باشد. اگر در مشروطیت ارتجاع داخلی با اشاره و حمایت بیدریغ امپریالیسم قدرت را در دست می‌گیرد، امروزه ایان نه با اشاره امپریالیسم، که بعثت سرعت شکست‌انگیز انقلاب و تارس بیودن آن از طرفی و عدم وجود نیروهای پیشنار و انقلابی سازمان یافته از طرف

# توسطه امپریالیسم و صهیونیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

# صف

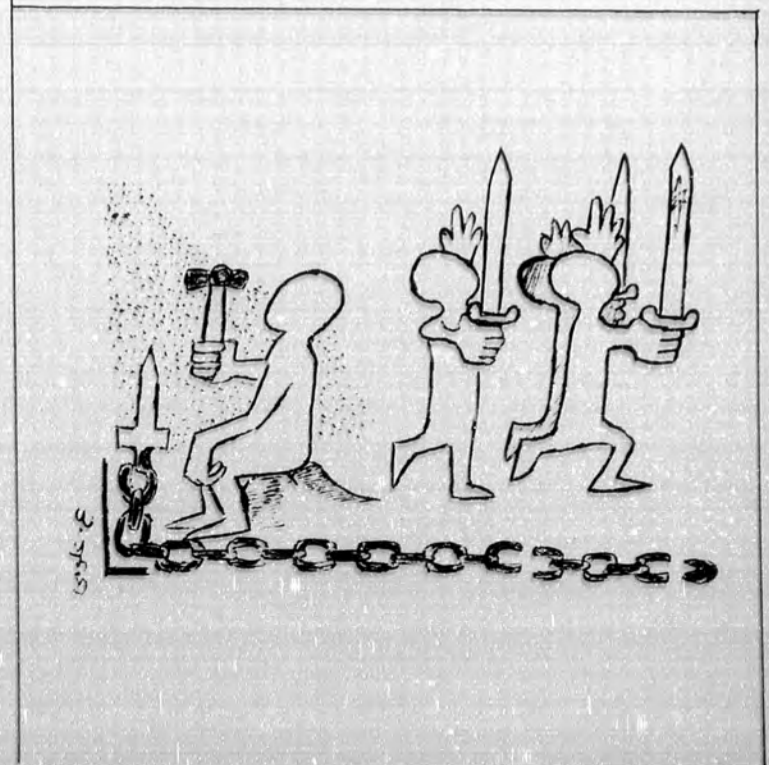
قسم به توده های صف آرا  
نصر خدا  
فتح خدا  
فرا رسیده است

در شهر چونکه می گذری می بینی  
صفها در امتداد یکدگرند  
صفهای تابناک خیابانی  
صفهای استوار رهایی  
صفهای لا اله الا الله  
صفها  
در امتداد هم

با هم هستند  
با هم و در مصاف لشکر طاغوت  
و در مصاف فاصله ها  
رتبه ها  
جدایی ها

اما طاغوت شخص نیست  
طاغوت ریشهی طاعون است  
که خاک هستی را میبراند  
و در قبیلهی انسان  
انسان بی خبر و مضموم  
همیشه بار و برگ ستم  
همیشه بار و برگ تجاوز  
همیشه اشتباهی تصاحب  
همیشه اشتباهی تملک دارد  
همیشه حافظ این پله هاست

بالای شهر  
پائین شهر  
ویلا نشین  
زاغه نشین



ای پاوران واحد هر صف  
صفهای واحد ستمزدگان  
آزادگان

اینک هر آسمان خراش  
هر کاخ  
هر کارخانه

منتظر مقدم شماست  
شما که وارثان زمین هستید  
قدم بردارید

و عزل وازه های جدایی را بنویسید  
و بنویسید  
بالایی سکونت انسان  
باید

همقامت بلندی حق  
همقامت بلندی تقوا باشد  
اگر سواد ندارید

با حرف  
با نگاه  
با قدم بنویسید

قسم به توده های صف آرا  
نصر خدا  
فتح خدا

فتح شما فرا رسیده است  
طاهره صفارزاده  
اردیبهشت ۵۸

## مراکز بخش نشریه امت

- ۱- کتابفروشی حنیف - هفت چنار - اول حسام السلطنه
- ۲- کتابفروشی سعید محسن - میدان امام حسین (فوزیه)
- ۳- مغازه صفائی - میدان غار - اول خیابان غار تلغی: ۵۲۳۷۵۶
- ۴- فروشگاه اتحاد - بازار آنگرها - سه راه حاج نادعلی تلغی ۵۲۱۵۸۷
- ۵- کتابفروشی مولی خیابان انقلاب (شاهرضا) رسیده به دانشگاه تهران - روبروی پمپ بنزین
- ۶- انتشارات سلمان - ناصر خسرو - کوچه حاج نایب
- ۷- انتشارات امام - خیابان ۱۷ شهریور (دروازه دولاپ) - نیش آیشار
- ۸- انتشارات الهام - میدان انقلاب - بازارچه کتاب
- ۹- انتشارات روشنگر - میدان تجریش جنب مسجد اعظم
- ۱۰- مسجد اعظم - خیابان شیروخورشید - خیابان رباط کریم
- ۱۱- انتشارات صادق - خیابان آنا تول فرانس
- ۱۲- انتشارات رهیاب - میدان انقلاب - اول خیابان کارگر
- ۱۳- مسجد فاطمه زهرا (ع) - خیابان امام زمان (ع) - خیابان استاد معین

بقیه از صفحه ۱

## درحاشیه

بین افرادی که مورد نظر بوده سده تاد حین انجام وظیفه خطیر (۱) رأی گیری دچار اشکال نشوند.

ذکر نمونه هائسی از سوء استفاده ها و تقلباتیکه در حوزه های رأی گیری صورت گرفت.

۱- در اکثر حوزه ها در روز رأی گیری ورقه های حاوی ده نفر نمایندگان حزب جمهوری اسلامی در بین افراد رأی دهنده پخش و تبلیغ میشد. ۲- ده نفر نماینده مزبور بعنوان تنها نماینده های مسلمان و مورد تأیید امام معرفی و از مردم خواسته میشد به آنان رأی بدهند.

۳- الصاق اسمی ده نفر نماینده مزبور در تمامی حوزه ها و معرفی آنان بصورت نمایندگانی که با تبادل نظر امام انتخاب شده اند (عکس ها در این زمینه موجودند).

۴- تبلیغ ناروا و شدید بر علیه عناصر و سازمانهای اسلامی و نمایانند آنان بعنوان افراد و سازمانهای التقاطی، ماسک کسیت و غیر مسلمان (عناصر و سازمانهای ماسک کسیتی که تکلیفشان روشن بود).

۵- تبلیغ این مسئله که: «ملت یکبار ۹۸٪ رأی مثبت به جمهوری اسلامی داد، امروز نیز به او کلاه و نمایندگان این حزب رأی خواهد داد.» (سوء استفاده

نامه ای از یکی از نماینده گان فرمانداری تهران درباره انتخابات مجلس خبره گان

## انحصار طلبی و تفتیش عقاید در انتخابات

صبح که به حوزه انتخابی خود بعنوان نماینده فرماندار رفته چیزی که دیدم برایم غیر قابل تحمل بود. مسئولین حوزه بوسه حزب جمهوری را نصب کرده و آنرا تبلیغ میکردند حتی به اینهم اکتفا نکرده و اسمی کاندیدهای این حزب را بتعداد فراوان جلوی میز چیده و از روی آن برای افسراد بیسواد متفق می نوشتند! (۸ نفر این وظیفه مهم را به عهده داشتند) وقتی به این روش اعراض کردم نه تنها توجهی ننشد بلکه به اسم تحریک مردم مورد مؤاخذة قرار گرفتم و کار به درگیری و کمیته کشیده شد که با

بقیه از صفحه ۱

## جلسه بحث پیرامون

کمیته و سرانجام وابسته شدن. و اینچنین ادامه میدهد: «بنا بر این نیروهای که بر محور ضداستعماری بودن تأکید میکنند می توانند وحدت اصولی داشته باشند و با تذکر اینکه وحدت اصولی بمفهوم وحدت در اصول نیست» و همچنین اضافه می کند: آفت بزرگی که دامنگیر نیروهای انقلابی شده حرکت ارتجاع می باشد (ارتجاع به اشکال مختلف، موقعیت طلب، فرصت طلب، انحصار طلب و...) و در واقع یک حرکت فاشیستی دارد شکل میگیرد که سرانجام دامنگیر نیروهای غیر مذهبی و نیروهای مترقی مذهبی خواهد شد و ادامه میدهد که بین ارتجاع و امبرالیسم و سرمایه داری در داخل یک رابطه حیاتی و ارگانیک وجود دارد و ارتجاع هر قدر زمینه عینی وجودش را از دست بدهد جری تر و خشن تر میشود و باید با همه امکانات بر علیه آن بسیج شد.

سخنران بعدی اشاراتی نمود به اینکه: نیروهای ارتجاعی و نیروهای قشری تلقی شان از امبرالیسم اینستکه استبداد را اصل میگیرند و میگیرند و امبرالیسم را در رابطه با استبداد تحلیل می کنند یعنی امبرالیسم فرعیست بر استبداد در حالی که میدانند غیر از ایستند و ادامه داد که نیروهای که در تحلیلشان استبداد را اصل میگیرند و امبرالیسم را فرع بنابرین بعد از نابودی رژیم و سرنگونی آن دیگر امبرالیسم برای آنها یک خطر بالفعل نیست و چون رژیم استبدادی از بین رفته دیگر امبرالیسم آن خطر سابق را ندارد.

و اینگونه ادامه میدهد که: در طول تاریخ نهضت های تسویدی همیشه ضربه را از داخل خورده اند نه از خارج، دشمن خارجی نتوانسته بر این نهضت ها سلطه پیدا کند و اگر سلطه دشمن خارجی

از ناآگاهی مردم در عدم تفکیک مفهوم حزب و حکومت و نقل قولهای امام.

۶- دستگیری و ضرب و شتم افراد و بازرسان معترض به تقلبات و دخالت های ناروا در امر رأی گیری، که از حزب مذکور نبودند یا همکاری صمیمانه مأموران کمیته و پاسداران.

۷- طرح سئوالات غیر مستولانه و نامربوط از طرف مسئولین حوزه ها برای رأی دهندگان که: به کی رأی میدهی؟ به جمهوری اسلامی؟ به حزب توده (و در مواردی به کمیته ها) می خواهی رأی بدی یا اسلامی؟ و..... که در مقابل این نحو سئوالات جواب اکثریت مردم بیسواد و عامی و مسلمان روشن است.

۸- انتقال خودسرانه حوزه های تبلیغاتی از پیش تعیین شده بدفتر تبلیغات حزب یا بعضی مساجد در چندین مورد متخفاً انتقال از مسجد جامع فرح آباد خزانه بدفتر تبلیغ حزب در محل و دستگیری خانم بازرس در رابطه با اعتراض به این انتقال در حضور سروان اکبری از افسران کمیته و محمد حسینی مسئول پاسگاه کلانتری ۱۶ که عین نامه و شکایت کتبی آقای حسینی موجود است.

۹- الصاق شعارهای بزرگ بارچه ای، حادی شعار «بفرمان امام یکسانی رأی میدهم که اسلام شناس باشند یعنی نامزدهای روحانیت و حزب جمهوری اسلامی» (عکس موجود است).

۱۰- جلوگیری و دخالت در موارد متعدد در انتخاب افراد، بخصوص اگر نمایندگان از حزب مذکور نبودند و در مواردی تبدیل نام نماینده یا نمایندگان.

نشان دادن کارت و بیان موضوع به حوزه برگشتن و در چند مورد نیز رأی دهندگان شکایت داشتند که ۴ نمونه ضمیمه است و فشار این تحمیل عقاید و انحصار طلبی بیشتر روی نیروهای مذهبی مترقی نظیر مجاهدین و مسلمانان مبارز بچشم میخورد. جالب اینکه خود من برای رأی دادن به حوزه دیگری رفتم و جرأت اینکار را در آنجا در خودم برای حفظ ظاهر ندم!!

و نهایتاً برای اعتراض به شیوه فوق در شمارش آراء و تنظیم صورت جلسه و تسلیم بفرمانداری شرکت نکردم.

با تقدیم احترام  
یوسف احمدی

مطرح شده به اتکاء و نفوذ همین نیروهای ارتجاعی داخلی بوده و با تکیه بر اینکه دومین محور که رویش تکیه میشود کرد در وحدت جبهه ای محور ضدارتجاعی است به سخنان خود پایان دارد.

جلسه بحث پیرامون مسائل وحدت، این هفته در روز پنجشنبه ساعت ۵ به بعد از ظهر نیز ادامه خواهد داشت. شرکت همه گروه ها و افراد متعهد به ایجاد وحدت نیروهای مترقی و انقلابی در جبهه واحد ضد استبداد - استعمار - و استثمار بهره ربری امام خمینی - در جلسات بحث گامی است در جهت اتحاد برای تداوم انقلاب و تسریع نابودی امبرالیسم و ارتجاع.

بقیه از صفحه ۳

## مشروطیت

دیگر، بقدرت می رسند اما از آنجائیکه مناسفانه در پیش تنگ و محدود این ها، دید درستی از مبارزات ضدامبرالیستی وجود ندارد و مبارزه را صرفاً در ابعاد ضداستبدادی آن خلاصه می کنند و گمان میکنند که با رفتن شاه و قطع استبداد، ریشه های استعمار نیز خشک میگردد. عملاً بخاطر تنگ نظری های سیاسی و طرد نیروهای انقلابی از صحنه مبارزه و با ایجاد دشمنان خیالی و به انحراف کشاندن توده ها، ناآگاهانه جاده را برای نفوذ مجدد امبرالیسم صاف میکنند. و بجای پرداختن به کارها و برنامه های اصولی و ریشه ای، دل بیک سری برنامه های اصلاحی و سطحی خوش کرده اند. بجای اینکه با قطع سد از ایادی استعمار و سرمایه داری وابسته و فئودالهای زمین خوار، به عمل انقلابی مسائل و مشکلات اجتماعی، کارگری و کشاورزی و صنعتی پردازند، عملاً در اثر ممانعت و محافظه کاری با طبقه سرمایه دار و فئودال دوباره دست آنان در دست اندازی به حقوق مردم بساز میگذاردند و زمینه های لوذ انقلاب را آماده میسازند. صمد - ج

# دروود بر آیتاله طالقانی، مجاهد نستوه

دیگر مملکت در مبارزات سراسری شرکت نمودند.

### موقعیت کنونی کارخانه و مشکلات موجود در آن

آقای سبحانی با این باره توضیح میدهند: کارخانه می تواند با ۸۰۰ نفر کارگر برای دو خط بهره برداری با توجه به تمام اتوماتیک بودن دستگاهها تولید لازم را فراهم کند ولی بواسطه اخراج بی رویه کارگران در دوران طاغوت توسط رؤسای قبلی کارخانه اسالور - جلالی، نوابپور) بعد از انقلاب ما با هجوم بی سابقه کارگران برای استخدام مجدد مواجه شدیم که ما مجبور شدیم کارگرانی که از ۱۷ شهریور ۵۷ اخراج شده بودند به کار مشغول کنیم که در حال حاضر ما ۱۴۳۰ نفر کارگر داریم و اکثر کارگران بعلت نبودن کار به کم کاری مشغول هستند در حالیکه از طرف مقامات مسئول بنا فشار می آورند که دیگر کارگران اخراجی کارخانه در سالهای قبل را نیز استخدام کنیم که ما نمیتوانیم آنها را بکار بکاریم.

حقوق کارگران در گذشته بر اساس روز مزرعی بود و ما کارگرانی داشتیم که با ۸ سال سابقه کار بطور موقت استخدام شده و از مزایای کلی محروم بودند و بین ۳۳۵ تا ۲۰۰۰ ریال دستمزد دریافت می کردند که ما بعد از انقلاب تمام این کارگران را استخدام رسیم نموده و حقوق آنها را حداقل به ۵۹۰ ریال رساندیم و نیز ما به کارگرانی برخورد می کنیم که در زمان طاغوت بدون داشتن هیچگونه سواد و یا برخوردار بودن از حرفه ای، حقوقهای گزافی میگرفته اند که این از تبعیضاتی ناشی میشود که در زمان دیکتاتوری بهلولی برای نوری و سواد و عوامل وابسته بدستگاه قائل میشدند و سعی شده در حال حاضر حقوق اینگونه کارگران را به سطحی که استحقاق دارند برسانیم.

مشکلاتی که ما در حال حاضر با آن مواجه هستیم اختلافات بین کارگران می باشد که چگونگی آن بطور خلاصه بشرح زیر است.

از سه سال پیش یکی از روحانیون (علی بخشی) که چندان صلاحیتی نداشتند توسط سالور رئیس و مدیرعامل قبلی کارخانه به اینجا آورده می شود و ایشان بعد از پیروزی انقلاب بطور خودسرانه با گرفتن اسلحه، کمیته ای در کارخانه تشکیل میدهد و به این اکتفا نکرده و در تمام امور دخالتهایی می کند که باعث دلخوردگی مهندسین و کارمندان میشود ما بارها به ایشان تذکر داده و بنا توضیحاتی که چه من و چه بقیه همکاران در اختیار ایشان گذاشته و قانعشان نمیکردیم اما با اینوصاف از آنجائیکه تا حدی جاه طلب و ریاست طلب بودند هیچگونه توجهی نکرده و به کار خود ادامه میدادند بطوریکه ما بناچار بدولت و کمیته مرکزی و مسئولین دیگر گزارش دادیم که این مسئولین با تحقیق و بازدید از کارخانه حق را بما میدادند تا بالاخره کمیته مرکزی به اینجا آمده و پس از تحقیق و تهیه گزارشی کمیته ایشان را منحل نمودند و چون ما نیازی به وجود ایشان با توجه به موارد فوق نمیدیدیم اخراجشان کردیم.

### انتخابات شورا

در همین بین انتخاباتی برای تشکیل شوراهای کارگری در کارخانه انجام گردید و نمایندگان برای تشکیل شورای کارگری انتخاب شدند. سه نفر از نمایندگان این شورا با اتفاق ۸ نفر دیگر از کارگران با همکاری آقای بخشی (روحانی) در دامن زدن به اختلاف بین کارگران و نیز دخالت در امور کارخانه مساع از کارخانه راندند و عملاً از تولید کارخانه جلوگیری کردند بطوریکه تولید را در روزهای عادی به ۱۱۰ تن رساندند اما از آنجائیکه ما نمیخواستیم این کارخانه از تولید باز ایستد و نیز بخاطر سازندگی بعد از انقلاب بارها به این آقایان تذکر دادیم و وقتی مشاهده کردیم که این تذکرات هیچگونه اثری در آنها نداشته مجبور به اخراج این ۱۱ نفر شدیم از این تاریخ به بعد هر چند ما نتوانستیم نظمی را بر کارخانه حاکم بکنیم اما با اینحال هنوز دودستگیها و اختلافات بین کارگران موافق و مخالف حل نشده و بناچار هنوز مسوق نشده ایم شورای جدیدی انتخاب کنیم.

هر چند که این ۱۱ نفر پس از اخراج به جاهای مختلفی مراجعه و اظهار بیگانهی نموده و سفارشات از وزارت کار ستاد انقلاب اسلامی - کمیته مرکزی و اداره کل کار و امور اجتماعی قزوین بما شده اما ما از استخدام آنها بدلیل نداشتن تعهد معذور خواهیم بود ضمناً این عده از نظر ما

خداقلاهی و عوامل متشکری هستند که با توجه به ندانستن مدارک کافی برای ارائه به کارگران، ما نتوانستیم به توضیحات کافی برای علت اخراج آنها در اختیار کارگران گذاشته و تصدیق اختلافات و دودستگیها را از بین ببریم.

در حال حاضر چند نفر از کارگران هستند که در دامن زدن اختلافات مجدد بین کارگران نقش مهمی دارند و ما چندین بار به آنها تذکر داده ایم، ولی اگر آنها در روش خود تجدینظر نکنند مجبور به اخراج ۵ تا ۶ نفر دیگر از کارگران هستیم چون ما میخواهیم این کارخانه را از حسالت خطری که مستوجه آن می باشد نجات داده و بهر ترتیبی که شده منابع از خوابیدن این کارخانه نسویم هر چند که در روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸۴۳۰ مطالبی عنوان شده که کذب محض است و نیز همین روزنامه بدون در نظر گرفتن مسئولیت، بار دیگری نیز مطالب بدون پایه و اساسی عنوان کرده که ما ناچار شده ایم آنرا تکذیب کنیم ولی بنا به عللی از تکذیب رسمی آن چشم پوشیده ایم.

ما لطفاً در مورد خواسته های کارگران توضیح دهیم: از مشکلات اساسی کارگران تهیه مسکن می باشد که ما در حال حاضر ۱۰۰ خانه مسکونی آماده تحویل به کارگران داریم که از اول فروردین خواسته ایم در اختیارشان بگذاریم ولی بساطت و اختلاف بین کارگران و نیز برای جلوگیری از اختلافات ناشی از نحوه و انگذاری منازل بکارگر، اینکه واقعاً چه کسانی استحقاق دارند، هنوز موفق نشده ایم و از آنجائیکه ما در تشکیل شورای اسلامی کارگری کارخانه مصرّ هستیم خواهان

درست کرده و از کار بیکار می شویم. در مورد خواسته های ما میگویند ما کسانسی را میخواهیم که از حق بسجراگان دفاع کنند. ما میخواهیم برادران کارگران که نماینده واقعی ما بودند به سر کار برگردند. رئیس کارخانه تا بحال برای ما کاری انجام نداده و خوبی یا بدی آن برای ما ثابت نشده و فقط بدستور امام خمینی ما را استخدام رسمی نموده و حق جمعه، حق اولاد و حق مسکن هم بجا پرداخت می کنند در حالیکه در گذشته هیچ کدام این مزایا را ما نداشتیم. برادر کارگر دیگری میگوید ۲ سال سابقه دارم و روزی ۱۰ ساعت کار می کنم و روزی ۷۰۰ ریال بجا نمیدهند ما خواهان از دست دادن حقوق قمان و استخدام مجدد ۱۱ نفر از برادران اخراجیمان که در بیرون هستند می باشیم.

ما لطفاً در مورد خواسته های کارگران توضیح دهیم: از مشکلات اساسی کارگران تهیه مسکن می باشد که ما در حال حاضر ۱۰۰ خانه مسکونی آماده تحویل به کارگران داریم که از اول فروردین خواسته ایم در اختیارشان بگذاریم ولی بساطت و اختلاف بین کارگران و نیز برای جلوگیری از اختلافات ناشی از نحوه و انگذاری منازل بکارگر، اینکه واقعاً چه کسانی استحقاق دارند، هنوز موفق نشده ایم و از آنجائیکه ما در تشکیل شورای اسلامی کارگری کارخانه مصرّ هستیم خواهان

### مسکن، از مشکلات اساسی کارگران می باشد - کارگران کارخانه سیمان آبیگ تا ۸ سال بطور موقت استخدام میشوند - چرا بین کارگران تبعیض قائل میشود

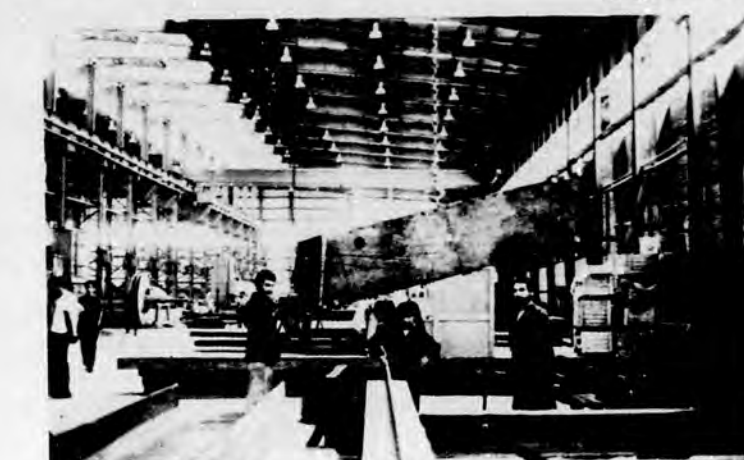
و انگذاری خانه ها به کارگران توسط این شورا می باشد که این شورا با توجه به کارگر اینکه واقعاً استحقاق دارند بعد از تحقیق در اختیارشان خواهد گذارد. از دیگر خواسته های کارگران داشتن رستوران غذایی است که ما مشغول ساختمان چنین رستورانی هستیم و پرداخت سود ویژه کارخانه نیز از خواسته هایشان می باشد که سال گذشته را معادل ۳ ماه حقوق آنها بین ۵ تا ۱۵۰۰۰ تومان به اضافه روز حاصل از اضافه تولید کارخانه که معادل ۱۶ روز حقوق آنها بوده به آنها پرداخت کرده ایم. در خاتمه نظر ایشان را در مورد شوراهای اسلامی کارگران - و کارکنان کارمندان - تکمیلین ها و مهندسین) جویا ندیدیم. چنین پاسخ گفتند:

من معتقد و خواهان تشکیل شوراهای اسلامی کارگران هستم و شخصاً آمدم و در اینجانب هر چه زودتر تشکیل گردد زیرا میدانم که با تشکیل شوراهای خواسته های کارگران بهتر تحقق می یابد و پیشرفت قابل توجهی در تمام زمینه های کارخانه حاصل میشود و این امر وقتی میسر است که ما با تشکیل شورای اسلامی کارگران - کارمندان - تکمیلین ها و مهندسین و سپردن قدرت اجرایی به آنها و نیز در جریان گذاشتن این شورا با مسائل مختلف کارخانه در وجود آمدن آن کونتا بنایم ضمناً ایشان معتقد هستند که دولت ناگزیر است برای تسریع در امور کارخانه ها، این شوراهای ابرسمیت پشناسد گفتگو با برادران کارگر

برای اینکه از وضع کارگران نیز مطلع شویم و خواسته های آنها را جویا شویم به قسمتهای مختلف کارخانه رفته و برای درددل برادران کارگران می نشینیم: سؤال: برادر شما چند سال است که مشغول بکار هستید و چقدر حقوق می گیرید و آیا از وضع کارخانه راضی هستید؟ ج: من ۹ سال است در اینجا مشغول بکار هستم و بنا می باشم که کار من مورد تأیید همه است در ابتدای ورودم بکارخانه روزی ۱۳۰۰ ریال مزد می گرفتم اما حقوق فعلی ۶۶۰۰ ریال است. در اینجا ما از آزادی نداریم و حق ما با یمال میشود نمی توانیم حرفی بزنیم و اگر صحبتی کنیم با سر تکستگی بما پاسخ میدهند تا بحال ۹ تا رئیس کارخانه عوض کرده ایم که همگی بما ظلم میکردند و نمیتوانم این اشخاص را معرفی کنم چون برای خودم دشمن

رئیس انتخاب کردند و این سه نفر نماینده اخراجی نیز آرا تأیید کردند اما دو روز بعد خواهان برکناری مهندس سبحانی شدند و این آغاز اولین برخورد و ایجاد دوستی ها و اختلافات در بین کارگران بود که این عده بوجود آوردند. در مورد آقای بخشی روحانی، میگویند او قبل از انقلاب هیچ مبارزه ای نکرد و فقط روزی که شاه رفت او آمد و گفت مزده دید شاه رفت و بعد دیگر هیچگونه فعالیتی در کارخانه نمی کرد.

به قسمت دیگری میرویم کارگری میگوید ما فعلاً هیچ خواسته ای نداریم و فقط میخواهیم این اختلافات بین کارگران حل شود او اضافه کرده کسانیکه میگویند ما انقلابی هستیم منظور سه نفر نماینده اخراجی، بایستی شرکت فعالانه در سازندگی



کارخانه دانسته باشند نه اینکه هر روز کارخانه را بحالت نسیمه تعطیل در آورده و به تظاهرات و سخنرانی بپردازند این عده اصلاً مبارزه ای در گذشته نمی کردند حتی وقتی شاه به اینجا آمده بود همگی زنده باد می گفتند و سعی میکردند با اینکارها خود را به رئیس کارخانه نزدیک کنند و در زمان انقلاب فقط مثل همه جا، این عده عکسهای شاه را بایین آوردند؛ راستی آقا اگر کسی فقط عکس شاه را بایین آورد انقلابی است و وقتی امام میگویند اعتصاب نکنید و به کار ادامه دهید این عده مانع کار در کارخانه میشدند و اسم خود را هم انقلابی گذاشته بودند؛ این عده انقلابی هستند یا ضدانقلاب؟

### فاشین سازی

به قسمت مانعین سازی که یکی از مهمترین قسمت های کارخانه است میرویم و بنا نموده این قسمت به گفتگو می نشینیم من عباس خداینده بنا دارا بودن اکثریت رأی نماینده قسمت مانعین سازی ندم و ۸ سال سابقه کار دارم و در این قسمت مشغول به جوشکاری می باشم. من از مهندس سبحانی که الان رئیس شده تا بحال کار خوبی ندیده ام که او انجام داده باشند همچنین کار بدی هم نکرده ولی بعد معلوم میشود چطور این کارخانه را اداره خواهد کرد در مورد اخراج ۱۱ نفر معتقدم اگر چنانچه این عده واقعاً حق طلب بودند باید به سر کار برگردند ولی اگر اخلاک بود دیگر لزومی ندارد آنها اخراج شوند. و میسود آنها به سر کار برگردند و دیگر نماینده کارگران نباشند اما برای کسی معلوم نیست که این عده گناهکار بودند یا مدافع کارگران؟ تمام این اختلافات و دودستگی های موجود در کارخانه بنظر من ناشی از وجود آقای بخشی روحانی کارخانه می باشد در ابتدای شروع کار شورا، نمایندگان اخراجی و آقای بخشی مسوق ریاست مهندس سبحانی بودند ولی نمیدانم چه درگیری بین این عده بوجود آمد که هر روز عده ای جمع می شدند از سالور رئیس قبلی بدگویی میکردند و عده ای از بهنیا و بطور کلی نمایندگان شورا قدم مینتی برای کارگران برنداشتند و حتی نتوانستند اختلافات خود را حل کنند در خاتمه هم که این عده اخراج شدند که معلوم نیست برای چی؟

در مورد خواسته ها، کارگران روز کار بایستی ۹ ساعت کار کنند که یک ساعت نهار از آنها کم میشود ولی کسانیکه نیفت کار می کنند یک ساعت کم نمیشود چطور از ما کم میشود ولی از آنها نه؟ مگر آنها نهار نمیخورند؟ دیگر اینکه ما هم مانند کارمندان یک ماه مرخصی داشته باشیم چرا برای کارگران تبعیض قائل میشوند و به آنها ۱۲ روز مرخصی در سال میدهد. حقوق ما کارگران نیز مثل کارمندان باید باشد. بقیه در صفحه ۶

این کارخانه در حال حاضر در حدود ۱۴۰۰ نفر کارگر دارد که اکثر آن از روستاهای نظری آباد - هتگرد - هب - خور بوده و دارای شتین متوسطی هستند و کمتر در این کارخانه از نیروی جوانها استفاده میشود. هیچگونه امکانات رفاهی در کارخانه بچشم نمی خورد و به بهداشت محیط کار توجهی نشده بطوریکه کارگران از این وضع بسیار ناراضی هستند این کارخانه دارای ۲۷ قسمت مختلف می باشد که مهمترین بخش های آن عبارتند از: ماشین سازی - بارگیری - باکت سازی - نقلیه - آسیاب سیمان - مواد خام

### گفت گونی با مهندس منصور سبحانی رئیس جدید کارخانه سیمان

برای اینکه از وضع کارخانه چه در گذشته و چه در حال حاضر مطلع شویم با آقای مهندس منصور سبحانی رئیس فعلی کارخانه به گفتگو نشستیم از وضعیت کارکنان و متخصصین خارجی کارخانه سؤال می کنیم.

ج: تا قبل از انقلاب این کارخانه کاملاً وابسته بخارج بوده و از آنجائیکه اکثر دستگاههای کارخانه بطور اتوماتیک و کامپیوتری کار می کنند همواره حدود ۵۰ تا ۶۰ کارشناس آلمانی در کارخانه مشغول به کار بودند و حقوقی معادل ۴۵۰۰۰ تومان در ماه دریافت می کردند اما بعد از انقلاب و رفتن این کارشناسان خوشبختانه بهمت توانای کارگران و مهندسین کارخانه ما تا کنون احتیاجی به متخصصین خارجی نداشته ایم. اما چون خط دوم بهره برداری کارخانه در حال آماده شدن می باشد ما از کارشناسان آلمانی فقط برای برآوردن دستگاهها و نیز تعلیم دادن کارگران به نحوه کار این دستگاهها که کلاً جدید هستند، دعوت نموده ایم که به ایران بیایند و بعد از اتمام کار به کشورهای خودشان برگردند.

از نظر مواد اولیه این کارخانه از آهن، سنگ آهن، گچ، خاک رس، سنگ آهن تغذیه می کنند که تماماً از معادن آبیگ تأمین میشود و تنها مقداری مواد مصرفی مثل چسب آجرهای سوز جهت کوره و نیز چسبهای مخصوص دیگری نیاز به وارد کردن از کشورهای خارج دارد که کارشناسان کارخانه مشغول بررسی هستند که بتوانند این موارد را در همین جا تولید و بمصرف برسانند و خوبنخانه تا حدودی موفق نیز نشده اند بطوریکه در حال حاضر آجرهای سوز مصرفی را از کارخانه اصفهان تأمین نموده و سعی میکنند در آینده نزدیک از چسبهای کارشناسان در اینجا تهیه خواهند کرد. استفاده نمایم

س) لطفاً در مورد میزان تولید کارخانه و چگونگی مصرف آن در گذشته توضیح دهید.

ج) تولید کارخانه بعد از انقلاب ۴۳۰۰ تن سیمان کیسه ای و با ۴۶۰۰ تن سیمان فله ای می باشد که این تولید حاصل کار دو شیفت کارگران می باشد و با بکار افتادن خط دوم کارخانه تولید کارخانه به ۸۵۰۰ تن در روز خواهد رسید. در مورد کمیبود سیمان در بازار قبل از انقلاب آقای مهندس سبحانی چنین توضیح دادند که: دولت های سابق برای ساختن پایگاههای نظامی در خلیج فارس و زندانهای تماماً بتنی که برای سازمان اطلاعات (ساواک) تدارک میدید و نیز با اختصاص دادن سهمیه های بسیاری ارتش، سیمان را انحصاری میکرد و تمام تولید این کارخانه را مختص سازمانهای مذکور می نمود.

### مبارزات کارگری کارخانه

در مورد مبارزات کارگری کارخانه از مهندس سبحانی سؤال می کنیم ایشان جواب میدهند که: در سالهای قبل از انقلاب فعالیتهای چشمگیری کارخانه نداشته و تعدادی از کارمندان و مهندسین در مبارزات شرکت می کردند که این مبارزات در سطح تمام کارخانه و از جمله کارگران بنا به حاکم بودن محیط احتیاط در کارخانه توسعه نمی یابد و از آنجائیکه عوامل ساواک و حکومت چابانه بهلولی کارگران را تهدید کرده و به آنها اخطار می کردند که در صورت کوچکترین اعتراضی آنها را اخراج خواهند نمود هیچگاه از مبارزات کارمندان و مهندسین حمایت نکردند. اما با شروع انقلاب و بخصوص از شهریور ۵۷ تقریباً با اعتصابات بی دربی کارگران این کارخانه نیز مثل تمام اقتار

# صحرای غربی، ویتنام آینده؟

۱۹۸۰ ایالات متحده درخواست دوبرابر کردن کمک نظامی به مراکش (تا ۱۰۰ میلیون دلار) را می‌کند. تاکنون جنرال برانکیزترین مور، پیشنه‌دار یک «میدان نبرد الکترونیکی» ۲۰۰ میلیون دلاری، که قبلاً آمریکا در ویتنام از آن استفاده کرده بود، بوده است. وزارت کشور قبلاً دوبرابر درخواستهای یک شرکت کثرت‌آور دفاعی آمریکایی - «سورتروپ‌سیج کامیونی کی‌تن» که یک نسخه فسخی از کسپای سورتروپ می‌باشد - را مبنی بر ایجاد سیستمی در مراکش که بر رگستر سیستم‌شناسی نظامی زیرزمینی جهان باشد، رد کرده بود. اما در آوریل گذشته قرارداد مورد موافقت قرار گرفت. همچنین عقیده بر این است که در حدود ۱۸ ماه گذشته کینیای ویتنگهاوس یک پروژه را دارا در ال‌آیون نصب کرده است. قبلاً به یک خبرنگار گفته شده بود که مجتمع، یک کارخانه کسرو نخودفرنگی می‌باشد.

## شناسایی

یک نیه از کارشناسان آمریکایی به درخواست ملک حسن تحقیقاتی درباره صحرای غربی و مراکش جنوبی، در زمینه شناسایی این مناطق در سپتامبر ۱۹۷۸ انجام داده و طرح میدانهای الکترونیکی را که وسیله برجهای رله رادیوسونی هرگونه حرکت چسبیکهای «پولیسارو» را به نقشه‌های دیسکوری در هر یک چهار کاخ ملک حسن منتقل می‌کند، دادند.

شاید حضور مفسر از متخصصین که سیستم ردهایی الکترونیکی را طراحی کرده‌اند و رنرالهای بارشسته نیروی هوایی ایالات متحده بوده و نقش مهمی را در طراحی طرح غیرموق «میدان نبرد الکترونیکی» در اواخر سالهای ۶۰ در ویتنام داشته‌اند، به‌موقعیت شرایط عمومی، شکلی آشنا و از قبیل سحرجه نده می‌دهد. یکی از رنرالها، جان دی لاول از تحصیلهای جنجالی است که پس از فاش شدن اینکه ممنوعیت دولت نیکسون را در بسیاری از زمینه‌ها و سیاست‌های مورد بی‌اعتنایی قرار داده است، از مقام خود منفصل شد. شاید یکی از دلایل موافقت دولت کاتر با این امر ناشی از کوششهای ناموفق است که بر جلب حمایت اعراب از موافقت کمیدید، تمرکز یافته است.

آفریقای جدید روتبه ۱۹۷۹

مبارزات از ادیبین خلق قهرمان صحرای غربی به رهبری جبهه پولیساریو در ماههای اخیر به مراحل توتنی گام می‌گذارد. ایسن مبارزه که پس از واگذاری صحرای غربی از جانب استعمار اسپانیا به مراکش و موریتانی در شکل مقاومت چریکی پدیدار شد با سرور زمان و جلب حمایت وسیع توده‌های جبهه گسترده‌ای را فراگرفت و اینک حتی نیروهای ارتش مزدور مراکش را فلع کرده است.

اخیراً پس از کودتایی که در موریتانی به‌وقوع پیوست، ایسن دولت اعلام کرد که از همه ادعاهای خود در باره صحرای باختری صرف‌نظر خواهد کرد و بدین ترتیب امکانات بیشتری برای رزمندگان پولیساریو در گسترش عملیات و جنگ رهائیبخش فراهم خواهد شد.

ترجمه مقاله زیر بیانگر اقدامات جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و یکی از سربریده‌ترین مأمورینش، ملک حسن، برای سرکوبی این جهاد رهائیبخش است که با ارسال جنایتکاران حرفه‌ای جنگ ویتنام سعی در خاموش ساختن مقاومت مردمی صحرا می‌کند.

## آمریکا به مراکش تکیه می‌کند.

با اعلام موافقت آمریکا با یک برنامه عظیم شناسایی نظامی، حمایت علی از ملک حسن حتی است.

اعزاز یک تیب پرفردت از مقامات رسمی آمریکا بسرکردگی معاون وزیر دفاع چارلز دانکن (یکی از دوستان نزدیک پرزیدنت کاتر) به مراکش، تنها یکی از علائم تعالی عمده آمریکا به‌قبول تعهدات بزرگتر نظامی نسبت به ملک حسن است.

ملک حسن از فقدان حمایت آمریکا تا حال حاضر، دلرد شده است؛ مراکش دویار به‌حمایت از ایالات متحده و متحدینش، فعالانه در زیر دخال نظامی کرده و همچنین از پیشنهادات سادات درباره صلح خاورمیانه پشتیبانی کرد. اگر چه هم‌اکنون کشورهای عرب صلح کمیدید را به‌خاطر مسئله فلسطین مورد انتقاد قرار داده است. و اینک برنامه کمک امنیتی سال مالی

بقیه از صفحه ۷

## بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

برگزاری انتخابات به‌هیچوجه با موازین اسلامی و روح آزادی و تساوی و تقوی سازگار نبود؛ موارد مهم نقض این اصول بقرار زیراند:

- ۱) اوراق تبلیغاتی و اعلان‌های انتخاباتی احزاب و سازمانها توسط اعضای وابسته به یک حزب و جریان عمده سرعت در سراسر کشور پاره میشد حتی در مواردی اعضای و روسای کمیته‌ها نخصاً در این کار شرکت می‌جستند.
- ۲) افرادی که برای نامزدهای خود منفرداً یا از سوی سازمانهای خود به‌نشر و الصاق اعلان‌ها اقدام می‌کردند توسط اعضای وابسته به همان جریان و در بعضی مناطق وسیله باسداران کمیته‌ها مورد حمله - ضرب و شتم و بازداشت قرار گرفته تحت فشار و تهدید قرار می‌گرفتند.
- ۳) در حوزه‌های رای‌گیری فهرست واحد و خاصی توسط اعضای باسداران و بازرسان وابسته به‌همان جریان عمده در اختیار رأی‌دهندگان قرار داده می‌شد و برای بیسوادان که رقم‌بزرگی از رأی دهندگان را تشکیل می‌دهند همان فهرست را می‌نوشته‌بی‌آنکه رای‌دهنده کمترین اطلاعی و شناختی از نامزدها داشته باشد. در عوض از فعالیت افراد وابسته به گروه‌های دیگر شدت جلوگیری می‌شد و با سبشی و نسبت دادن اتهامات دروغ مردم را از رأی دادن به‌آن نامزدها باز می‌داشتند.
- ۴) در مواردی صندوق حوزه‌ای که احتمال می‌دادند آراء آن به‌نفع آنها نیست زدیده و برخورد‌های خنونت‌آمیزی مستعاقب آن بوجود آوردند.
- ۵) اسم دکتر حبیب‌الله پیمان از فهرست اساسی نامزدها در حوزه‌های رای‌گیری حذف گردید و در نتیجه برای رأی‌دهندگان این تصور پدید آمد که مشارالیه از نامزدی منصرف شده است و علیرغم گزارش جریان به‌وزارت کشور و دستور وزارت

## کلام آخر ما با شما برادران کارگر

متأسفانه آنچه ما در کارخانه دیدیم و ایسن گزارش بیانگر آن است: همه جا صحبت از اختلاف و دو دستگی است. در حالیکه محیط کار، دردها و خواسته‌های مشترک می‌تواند وحدت و اتحاد محکمی را بین شما بوجود آورد و شما در سایه همین وحدت و اتحاد است که می‌توانید با تصفیه عناصر فاسد کارخانه که سالهای سال در حق شما ظلم کرده‌اند و سرمایه ملی را حیف‌ومیل نموده‌اند، به خود و سرزمین خود خدمت بزرگی کنید و با تشکیل

صحیح شورای اسلامی کارخانه شورایی که بحق مدافع حقوق مستضعفین باشد تا خواسته‌های بحق خویش را بدست آوردید. و توسط شورای خودتان در کلیه امور کارخانه از قبیل میزان تولید و توزیع دستمزد و امور رفاهی و بهداشتی کارگران و کارکنان نظارت داشته و با دست توانای خود کارخانه را به حرکت درآورید.

ایمان داشته بسائیم بدون اتحاد و یگانگی مشکلات و دردهایمان حل نخواهد شد، بدون تشکیل شوراهای بهره‌مندی از دستمزد عادلانه، بهداشت، مسکن، شرایط مناسب در محیط کار و ..... تحقق پیدا نخواهد کرد. با امید آنکه روزی با تشکیل شوراهای اسلامی در محل و محیط کار اداره امور کارخانه و حق تعیین سرنوشت خود بدست خویش را عملی سازیم.

در اینجا لازم است چند نکته به برادر مهندس منصور سحابی تذکر دهیم:

نظراً ما شما می‌توانید با انجام مدیریت صحیح و قاطع گام مؤثری در جهت تحقق خواسته‌های بحق کارگران بردارید. شما که خود به‌عینه شاهد استعمار کارگران به بدترین شکل خود بودید، امروز به عنوان مدیر کارخانه در از بسین برسن مناسبات استعماری حاکم بر محیط کار مسئولیت سنگینی را به عهده دارید. اگر در سالهای اخلاق، دیکتاتوری مانع از رشد و آگاهی دادن به کارگران بود امروز دیگر چه می‌گوئیم ما در برابر خدا و خلق خدا مسئول هستیم.

آنچه ما مشاهده کردیم متأسفانه در جهت آگاهی دادن به کارگران و توضیح و تشریح شوراهای کارگران (که خود به لزوم شوراهای مستعید) قدم مؤثری برنداشته‌اید شاید بگوئید که مشکلات دیگر کارخانه مانع از این می‌شود که به ایسن امور بپردازید. از شما سؤال می‌کنیم چه مسئله‌ای مهمتر از اینکه کارگران به مسائل خود و چگونگی شوراهای آگاه شوند وجود دارد. مطمئن بسائیم کارگر هرچه آگاهتر باشد و سیستم شورایی به جای مناسبات غیرتوجهی بر کارخانه حاکم شود دیگر شاهد کارکنتی‌ها در کارخانه نخواهیم بود امروز نظر بهتر بفتح کارگران و عموم مردم خواهد بود. شما بهتر می‌دانید بدون وجود و عنصر آگاهی و آزادی انتخابات به درستی انجام نخواهد پذیرفت. آیا بهتر نیست بعد از ایجاد آگاهی لازم در بین کارگران نسبت به وظایف شوراهای انتخاباتی صورت گیرد.

با اینکه انتخابات قبلی شرایط یک انتخابات صحیح و درست را ندانست و دیدید که نتیجه آن چه بود چرا از انجام آن جلوگیری نکردید و مسئله دیگر اینکه سعی کنید از نزدیک با کارگران برخورد کنید به دردها و خواسته‌های آنها گوش فرادید و آنها را حداقل از طریق شوراهای جریان امور بگذارید و در پایان تشکیل شورای اسلامی کارگران و کارکنان کارخانه را بعنوان تنها راه حل مشکلات کارخانه پیشنهاد کرده و ایجاد زمینه‌های مساعد برای تشکیل چنین شورایی را از شما و سایر برادران مسئول در کارخانه را خواستاریم امیدواریم که اقدامات مفید شما در جهت تحقق خواسته‌های بحق کارگران برای سایر کارخانجات نمونه باشد.

با تشکر از همکاری برادران کارگر و سایرین در تهیه این گزارش  
- غلام -

## فرار از خدمت سربازی در صفوف ارتش اسرائیل

فلسطینی انتغالی ۱۹۷۹/۷/۳۱ وفا یک مقام مسئول در ارتش اسرائیل گفت: اخیراً موج فرار از خدمت سربازی در ارتش صهیونیستها افزایش یافته است. نسبت فراریان ارتش ۶ تا ۷ درصد تعداد ارتش است. گزارندهای صهیونیستها حاکی است ۴۰ درصد از افسران و سربازان علیرغم تدابیر شدیدی که وجود دارد تاکنون چندین بار فرار کرده‌اند.

## گزارشی از کارخانه سیمان آبیله

بقیه از صفحه ۵

از روز بعد اختلافات شدت یافت هر روز شاهد بخش اعلامیه و تحریک کارگران بودمی در یکی از اعلامیه‌های آنها که کارگران بسهوش بسائید مهندس سحابی و بدرین برای شما توطئه در دست می‌کنند با آنها مبارزه کنید عاقبت اینکارها را تا آنجا ادامه میدهند که رئیس کارخانه مجبور به اخراج آنها میشود.

- تهدید نماینده کارگران

از وضع شوراهای بگوئیم که این سه نفر هر روز در جلسه نورا قطعنامه‌ای از قبل تهیه شده را میخواندند و میخواستند آنرا به اجرا گذارند که با مقاومت ما مواجه میشدند. تا اینکه روزی از کمیته متحله کارخانه بمن و یکی از دوستانم تلفن زدند و ما را تهدید کردند اگر از مهندس سحابی حمایت کنیم ما را نابود خواهند کرد که ما به ایسن حرفها اهمیتی نداده و به کار خود ادامه میدادیم.

روزی آقایان اعضای نورا (سه نفر اخراجی) تخصص کردند و دلیلش را اینطور عنوان کردند که حکم ریاست آقای مهندس سحابی آمده و ما او را قبول نداریم که بالاخره تخصص خود را بهم زده و میروند. از طرفی این سه نفر یک شب پیش روحانی کارخانه (علی یحیی) رفته و از او میخواستند که در کار آنها دخالت نکرده و آنها در عوض محبت‌های ایشان را اجران می‌کنند و وقتی آقای یحیی امتناع می‌ورزد و میگوید اگر از راه خود متحرک شوئید من جلوی شما را میگیرم شروع به بدگویی از او می‌کنند و آبروی روحانی کارخانه را می‌سردند و اعلامیه‌هایی که خودشان تهیه نموده بودند را به اسم ایشان بخش می‌کردند از جمله کارهای دیگر این سه نفر گرفتن ۲۰٪ حق کامیونداران برای بارگیری سیمان بود کسانیکه ۹ روز بسائستی در نوبت میخواندند تا بارگیری کنند و وقتی ما از آنها سؤال می‌کردیم برای چه ۲۰٪ از اینها پول میگیرید و این پولها را چه می‌کنید می‌گفتند که کمیته قسزوین تحویل داده‌ایم و وقتی تحقیق کردیم مشاهده نمودیم خودشان پولها را خرج می‌کردند.

## - چگونگی انتخابات شورا:

در هنگام رای‌گیری انتخابات ایسن عده صندوق‌های رأی را متفاوت در دست کردند بطوریکه صندوق آرا خودشان بزرگ و دور تا دور آن عکس‌های رنگی خودشان به آن نصب شده بود ولی صندوق آراء نمایندگان دیگران کوچک و بسایک عکس کوچک در گوشه‌ای پنهان کرده و می‌گفتند ما قرعه کشیده‌ایم و معلوم شده که باید صندوق آرا ما در جلو باشد. در هر حال رای‌گیری بطور آزاد انجام نگرفت حتی صندوق من پاره شده و در آن فقط ۵۰ رأی وجود داشت و بنا به اظهار یکی از کارگران که میخواست بمن رای دهد صندوق رای‌گیری مرا ندیده بود این افراد حتی اجازه ندادند نمایندگان دیگر در انجام رای‌گیری نظارت داشته باشند و بازرسی را هم بدنبال کاری فرستاده و هر کار که میخواستند انجام دهند و سرانجام با آرای زیادی موفق شدند نماینده شورای کارخانه شوند. تا بسبحال نورا و بخصوص این سه نفر هیچ کاری انجام ندادند و نخواستند به حقوق کارگران رسیدگی کنند و فقط برای پیشبرد هدفهای خودشان تلاش می‌کردند وقتی هم که اخراج شدند نشدیم به حوزه علمیه قم رفته و جریان را وارونه گفته‌اند که من طی تلگرافی آنرا تکذیب و حقیقت را بیان کردم و بسحمداله گناهکار بودن آنها برای مسئولین امر انبیاست گردید.

اما همین عده وقتی برونزنامه جمهوری اسلامی می‌روند و قضیه را مطابق میل خود می‌گویند ایسن روزنامه بدون هیچگونه تحقیقی عنوان می‌کند که ۷۰۰ نفر از کارگران خسواهان بساز گشت ۱۱ نفر اخراجی کارگران سیمان آبیله از روزنامه کارگران کارخانه سیمان آبیله از روزنامه جمهوری اسلامی ایران اینست که خواهش می‌کنیم اگر یک کارگر یا یک مهندس بسایک تکسین به روزنامه مراجعه و گزارشی دادند فوراً آنرا چاپ نکنند بخدا بتکذیب کردن آن نمی‌ارزد آنسوق می‌گفتیم ساواک دستور میدهد حالا چه؟ ترا بخدا شما این دروغها را چاپ نکنید تهمت به کارگران کارخانه زیند شما که می‌گوئید ۷۰۰ نفر به آنجا آمده و خواستار بازگشت ۱۱ نفر اخراجی هستید، دروغ محض است بیائید اینجا تا من ۱۱۰۰ نفر کارگر را به شما نشان دهم که می‌گویند اگر این ۱۱ نفر برگردند ما دست از کار میکشیم.

در خاتمه می‌گوئیم که نماینده کارگران باید در قبال کارگران خود را مسئول دانسته و تنها حامی کارگران باشد و مطابق قانون از حق آنها دفاع کند نه اینکه این نمایندگان بیایند و بگویند ما قفلان رئیس را میخواستیم و فلاتی را نمی‌خواستیم.

## - سرپرست ماشینی سازی

نظر مهندس محقق سرپرست قسمت ماشینی‌سازی کارخانه را در مورد اوضاع کارخانه جویا می‌نویس توضیح میدهند که ما تا بحال سعی کرده‌ایم برخوردی با کارگران نداشته بسائیم و بیشتر به انجام خواسته‌های آنها پردازیم رزای قبلی کارخانه هنوز هم در قسمت‌های دیگری از کارخانه در دفتر مرکزی اسماً مشغول بکار هستند و ماهیانه ۲۵۰۰۰ تومان حقوق میگیرند در اینجا مهندس سحابی با گرفتنهای گوناگونی مواجه است که ما سعی می‌کنیم او را کسک کنیم و هرچه زودتر انتخابات نمایندگان شورای اسلامی کارخانه را برگزار کنیم و از دفتر آیت‌الله طالقانی به اینجا برای نظارت آمده‌اند انتخابات بدین صورت برگزار میشود که هر نیت نمایندگان خود را اعلام می‌کنند هیئت نظارت در هر نیت برای رأی‌گیری به کارخانه می‌آید تا کارگران رأی خود را بسایب امضا اعلام دارند بسبب در نیت دیگر نیز جمع‌آوری آراء انجام می‌گیرد و در پایان آراء سه نیت را یکدفعه باز و نتیجه را اعلام می‌کنند اینکه عده‌ای می‌گویند تنها دو نفر برای رای‌گیری می‌آیند اولاً ایسن دو نفر برای جمع‌آوری آراء می‌آیند از طرف کمیته مرکزی هستند که معرفی رسمی بنا نده‌اند و ضمناً برای انتخابات نماینده نیتت نسب، نسب برای جمع‌آوری آراء می‌آیند چرا که در روز کارگران نسب کار در کارخانه نیستند.

ایشان معتقدند که از طرف مقامات گوناگون بما توصیه شده ۱۱ نفر اخراجی را مجدداً استخدام کنیم ولی هیچکس حاضر به تعهد دادن و بسا ضمانت دادن بما نیست و معلوم نیست اگر ما آنها را به سر کارشان برگردانیم به کارشان ادامه میدهند بسا بساز هم اخلاگری میکنند.

به هر قسمت کارخانه که می‌رویم همه‌جا عده‌ای مخالف و عده‌ای موافق اخراج تعدادی از نمایندگان هستند و بطور کلی می‌توان گفت در کارخانه تنها موضوع روی سرنوشت ایسن ۱۱ نفر اخراجی دور می‌زند و همه‌جا بساحت از آنهاست و ایسن دو دستگی باعث بی‌نظمی کار و نبودن روح تفاهم و برادری در بین کارگران شده است.

## - گفتگونی با یکی از نمایندگان کارگران درباره حل مشکلات کارخانه

برادر نماینده که خود کارگر قسمت رستوران کارخانه می‌باشد درباره موقعیت کنونی کارخانه چندین توضیح میدهند: بعد از تشکیل شورا روزی اعضای شورا و آقای یحیی (روحانی) ما را جمع کرده و اعلام نمودند فردا نظهراتی داریم که در آن قطعنامه ۹ ماده‌ای خوانده میشود. روز بعد همه جمع شدیم و قطعنامه از قبل تهیه شده قرائت گردید یکی از مواد این قطعنامه این بود که آقای جلالی مدیر کارخانه نباید ریاست کارخانه را به‌عهده بگیرد زیرا از نزدیکان سالورها و بسبب‌های رزای قبلی کارخانه می‌باشد و قبلاً با آنها همکاری می‌کرده و ما مهندس سحابی را برای ریاست انتخاب می‌کنیم. دو روز بعد مجدداً کارگران را جمع نموده و از آنها امضاء می‌گرفتند که تأیید کنند مهندس سحابی برکار و آقای جلالی باید رئیس کارخانه شود من ندیدم به آنها اعتراض کردم و گفتن من از شما نوار دارم که می‌گفتید مهندس سحابی مورد تأیید شماست بس حالا بطور شده تغییر عقیده داده‌اید؟ آنها گفتند ما نماینده اکثریت کارگران هستیم این خواست کارگران است. تحقیق کردم دیدم به آنها حق حساب داده‌اند تا اینکار را انجام داده و بگویند مهندس سحابی حق شما را پایمال کرده و بعنوان کمک به مستضعفین بدولت بسرداخت می‌کنند در اینجا کارگران تحریک کرده بطوریکه بطرف باسداران حمله می‌کنند و حتی یکی از کارگران میخواست باسرداری را مشروب و اسلحه‌اش را برده‌ارد که باسداران دیگر تیراندازی هوایی می‌کنند و شخص نامبرده را دستگیر و از کارخانه خارج می‌کنند.

جنبش مسلمانان مبارز

چهاردهم مرداد ۱۳۵۸

# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

# بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

بنام خدا

شرایط لازم برای تدوین قانون

اساسی

اگر انقلاب ایران بعد از سرنگونی رژیم، در مسیری همانند سایر انقلابات این دوره، حرکت می کرد احتیاجی نبود که فقط پنج ماه بعد از کسب پیروزی و بطور زودرس به استقبال انتخابات و تدوین قانون اساسی برود چرا زودرس؛ زیرا که شرایط عینی و ذهنی جامعه هنوز آماده برای انجام یک انتخابات کاملاً اصیل و آزاد و تعیین نمایندگان که بتوانند قانون اساسی با روح و ماهیت کاملاً اسلامی و انقلابی تدوین کنند، نمی باشد و به این دلیل که:

اولاً - تدوین چنان قانون اساسی که نمره یک انقلاب مکتبی باشد تنها بدست کسانی میسر است که خود دارای ۱- پیشین مکتبی باشند ۲- دارای روحیه انقلابی بوده و این روحیه و خصلت را در جریان مبارزه انقلابی دراز مدت کسب کرده باشند. ۳- این انحصار پیشناز مبارزه و انقلاب بوده بعد از پیروزی هم نقش پیشنازی خود را حفظ کرده باشند و سرانجام ۴- در طول مبارزه و عمل مردم آثارنا سازنده و بدیشان اعتماد کرده باشند.

ثانیاً - پیشناز انقلابی در طول یک مبارزه دراز مدت از انسجام و وحدت نظر کامل دربارۀ مسایل اساسی مکتب و انقلاب برخوردار نند باشند. ثالثاً - پیشناز انقلابی فرصت کافی برای انجام تغییرات اجتماعی و اقتصادی بدست آورده

مناسبات کهنه و ضد مردمی را که مانع بزرگی در راه کسب آگاهی و آزادی از جانب مردم است، از بین ببرد این تغییرات باید با انقلاب فرهنگی همراه باشد و در نتیجه مردم از قیود اجتماعی و اقتصادی، از جهل و وابستگیهای ذهنی آزاد شوند بطوریکه قادر باشند بر مبنای معیارهای مکتبی و انقلابی نمایندگان خود را تشخیص داده و انتخاب کنند و در این تشخیص و انتخاب از تأثیر و نفوذ عوامل فرهنگی کهنه و نیروهای اجتماعی ارتجاعی و فئاداری مرنی و نامرئی مختلف کاملاً آزاد باشند تحقق این امر مستلزم آنستکه در فرصت کافی برنامه های انقلابی در ساخت و مناسبات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به مرحله اجرا گذاشته شود و خلق از اسارت جهل، عوامل ذی نفوذ فرهنگی و وابستگیهای طبقاتی و اقتصادی و انواع جبرهای مادی و ذهنی آزاد شوند.

## شرایط موجود چگونگی شرکت در انتخابات مجلس خبرگان

هیچیک از شرایط فوق در این مرحله وجود ندارد بدین معنی که مبارزه انقلابی دراز مدت بوقوع نه بیست و در نتیجه بعد از پیروزی نظام دست نخورده باقی ماند، پیشناز انقلابی و مکتبی رشد و انسجام نیافت و در رأس قرار نگرفت - عناصر غیر انقلابی به قدرت رسیدند. برنامه های انقلابی مکتبی به مرحله اجرا گذاشته نشده و مردم هنوز از قیود اجتماعی و فرهنگی پیشین بکلی آزاد نشده اند.

مردم شناخت درستی از نیروهای انقلابی پیشناز ندارند و ناچار تابع عوامل ذی نفوذ پیشین هستند. نیروهای ارتجاعی، لیبرال، فرصت طلب و نیروهای محافظه کار و اصلاح طلب و در هر حال فاقد پیشین انقلابی و مکتبی به رأس قدرت رسیده و سبیل ارتباطی و تبلیغاتی و سایر ابزار قدرت و رهبری را در اختیار دارند - از این رو مهار فکری و رهبری اکثریت توده را بدست دارند. گذشته از این برداشت هماهنگی از مکتب و انقلاب در بین نیروهای رهبری کننده و صاحب قدرت وجود ندارد و مجموعه ای از برداشتهای متضاد و کهنه با برداشتهای اصیل و غیراصیل تازه در مقابل هم قرار دارند بطوریکه توافق روی یک برداشت منسجم و هماهنگ میسر نیست. بخصوص نیروهای ارتجاعی در چنان موقعیتی قرار دارند که می توانند روی افکار مردم و قوانین مصوبه تأثیر جدی و فاسطی بگذارند.

تحت چنین شرایطی یا می بایست مایوس از امکان یک انتخابات آزاد و صحیح و دانستن یک قانون اساسی کاملاً مکتبی - بکلی کنار می کشیدیم و میدان را برای فعالیت بلاعارض نیروهای

غیرانقلابی و بخصوص ارتجاع خالی می گذاشتیم. با اینکار به انزوا و جدائی خود از توده که خواست و هدف فوری ارتجاع است کمک می کردیم و عملاً به تثبیت آنچه اتفاق می افتاد کمک می کردیم. نتایج این بود که با جریان حاکم همراه و هماهنگ نند در تدوین یک قانون اساسی غیر مکتبی اما مورد تأیید مکتب شرکت می جستیم. در این صورت ارزشهای مکتب و هدفهای انقلاب را فدا کرده و رسماً بر قانون اساسی که در مساهبت اسلامی و انقلابی نیست بنام یک قانون اساسی مکتبی صحه می گذاشتیم و رهبری کسانی را که در پیشین و عمل انقلابی و مکتبی نیستند، در سطح یک پیشناز انقلابی می پذیرفتیم این انتخاب با ماهیت و رسالت جنبش و تفکر انقلابی و مکتبی آن مغایر بود و ما را به عنوان یک جریان پیشرو اسلامی از صحنه خارج می ساخت و در هر حال، قابل قبول نبود.

ما راه سومی برگزیدیم. در انتخابات در بحث و بررسی قانون اساسی بطور فعال شرکت جستیم ولی در همه حال از مواضع انقلابی و مکتبی خود حرکت کردیم و بر طبق آن با مسایل مربوط به قانون اساسی و انتخابات برخورد کردیم.

## چه عواملی به لزوم یک قانون اساسی در شرایط حاضر فوریت بخشید؟

شرایط ویژه حاکم بر جامعه و انقلاب که در مقدمه آمده کشور را بر سرعت به طرف هرج و مرج و ناسامانی پیش می برد و میدان را برای توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب مساعد می سازد در وضعیت حاضر و در غیاب یک قانون رسمی و مدون و دولت دائمی، عملاً اقدام اساسی به نفع توده انجام نمی گیرد و در نتیجه نظام پیشین مجدداً تثبیت شده، معیارهای دوران طاغوت در کلیه زمینه ها کم و بیش ملاک عمل قرار می گیرد.

افزافه بر این ها، با موقعیتی که ارتجاع دارد و با توجه به برهه مدار بودن نهادهای استبدادی این خطر وجود دارد که استبداد تازه ای به دست نیروهای مرتجع بر جامعه تحمیل گردد و آزادهای بدست آمده نابود و جلوی رشد و تکامل انقلاب بکلی سد شود. آثار چنین تساملی هم اکنون بخوبی آشکار است - رشد این جریان با موجودیت نیروهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب در تضاد است. وجود یک قانون اساسی که آزادهای اساسی را محترم دانسته و حقوق مردم و هدفهای انقلاب را مورد تأیید قرار دهد. می تواند تا حدود زیادی جلوی رشد ارتجاع و تجدید حیات نهادهای و مناسبات استبدادی را بگیرد و شرایط مناسبی برای رشد اندیشه های انقلاب مکتبی و نیروهای انقلابی جامعه فراهم سازد.

شرکت فعال ما در این امر مهم اضافه بر دلایل فوق بر ضرورت های زیر هم متکی بود:

- ۱- از روشها و سنت های انقلابی و اصولی در برابر نیروهای استبدادی و عملکرد ارتجاع دفاع و حمایت کنیم.
- ۲- موضع نیروهای انقلابی و مکتبی را در جریان انتخابات و تدوین قانون اساسی تقویت کنیم.
- ۳- مواضع و نقطه نظرهای اصولی خود را با توده در میان گذاشته، با اینکار به توسعه آگاهیهای انقلابی و مکتبی مردم و به رشد پیشناز انقلابی کمک کنیم.
- ۴- با طرح نقطه نظرهای خود درباره قانون اساسی، نمونه و طرح یک قانون اساسی مکتبی را در برابر افکار مردم قرار داده تفاوت آنرا با طرحهای غیر مکتبی روشن نماییم - این کار موجب می شود یک طرح غیر مکتبی در صورت تصویب، با یک قانون اساسی اصیل مکتبی منتهی نگردد.
- ۵- شرکت فعال ما در کنار نیروهای انقلابی دیگر برای بسیج مردم یک هدف مشترک مقطعی، زمینه را برای همکاریهای اصولی در مسیر انقلاب و در چهارچوب مکتب مساعد می ساخت.

## ضرورت همکاری با سایر نیروها

گفتیم که عدم شرکت به انزوا سیاسی ما متعز می گردید. شرکت انفرادی و مستقل، در شرایط موجود و با توجه به قدرت نسبی جریان ارتجاعی فرصت طلبانه عملکرد چشمگیری در برداشتن - بخصوص این ضرورت وجود داشت که وجود

نیروهای اسلامی و انقلابی مستقل از جریان عده حاکم برای مردم ثابت و محقق شود. باید به مردم می فهمانیم که اسلام را تنها در جهدهای که ارائه می شود نشناسند و انقلاب را تنها در عملکرد جریانات حاکم نه بینند - باید به مردم نشان می دادیم که راه اصیل تکامل انقلاب اسلامی الزاماً همان نیست که هم اکنون انقلاب در آن در حرکت است باید با تمایل سلطه جویانه و انحصار گرایانه نیروهای ارتجاعی مقابله می شد و باید با این تسامیل ارتجاع که می کوشند خود را معیار اسلام و ایدئولوژی اسلامی و انقلاب و انقلاب اسلامی کند مقابله می کردیم و به روشنفکران تسلهای جوان و توده های محروم نشان می دادیم که اسلام اصیل را در افکار و برداشتهای آموزشهای ارتجاع نمی بینند و انقلاب اسلامی را در عمل و شیوه و نحوه برخورد و تمایلات آن نشناسند. باید این امید را تسقویت می کردیم که انقلاب ادامه خواهد داشت و مکتب در نظامی با نام اسلام و نه برسم اسلام، مدفون نخواهد گشت.

هم صدائی با سایر نیروهای مترقی مومن به انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی با وجود اختلافات اصولی و غیراصولی که بین آنها وجود داشت می توانست به منظور فوق کمک کند و بدیهی است که این همکاری به معنای عدول در هیچیک از مواضع اصولی نبود که جنبش تا کنون اعلام و اتخاذ کرده است و روشن است که این مشارکت و همکاری از جانب ما نه فرصت طلبانه و نه برای کسب وجهه و قدرت و موقعیت بود و نه حتی برای پیروزی در انتخابات و رفتن به درون مجلس خبرگان که اگر هدفمان تنها این بود، راه کوتاه و مطمئن تر و تضمین شده ای وجود داشت که صرفاً به این دلیل آنرا انتخاب نکردیم که با مواضع اصولی سیاسی و مکتبی ما مغایرت داشت برای ما صرف راه یافتن در مجلس هدف نبود. گرچه در صورت موفقیت از آن استقبال می کنیم و موقع را برای کمک به تدوین یک قانون اساسی مکتبی و اصیل اسلامی مغتنم می شماریم. حتی اگر طرح مصوبه در مجلس خبرگان مطلوب و مقبول ما نباشد، لاقابل این فرصت را خواهیم داشت که اصول یک قانون اساسی اسلامی را در معرض قضاوت و افکار عامه بگذاریم و به عنوان یک سند به نیت برسانیم.

## انتظارات ما از قانون اساسی جمهوری اسلامی

طرح قانون اساسی جمهوری اسلامی باید قبل از هر چیز به دو ضرورت یا خواست پاسخ گوید اول - بیانگر روح مکتب و اصول اساسی نظام توحیدی و تضمین کننده جهت حرکت جامعه بسوی ایدالهای انسانی خود باشد.

دوم - ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و به منظور قطع وابستگی و خارج شدن از زیر سلطه یعنی وصول استقلال و همچنین محو مناسبات استبدادی و ارتجاعی را تضمین کند. بر این اساس معتقدیم که طرح و پیش نویس فعلی فاقد روح مکتب بوده از تأمین هدفهای فوق عاجز است.

به اعتقاد ما در مقدمه و در بخش کلیات و اصول اساسی باید خصوصیات و اصول پایه جامعه توحیدی که هدف نهایی انقلاب اسلامی است بنا صراحت اعلام شود. و در بخشهای بعدی به قوای مقننه و مجریه اجازه داده شود تا مرحله به مرحله و همگام با رشد و مساعد کردن شرایط عینی و ذهنی، نظام موجود را بظرف جامعه ایدال توحیدی متحول گرداند و بدان منظور قوانین لازم را به تصویب برساند.

## مسئله اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی

اول - حاکمیت در اصل از آن خداست که بصورت حاکمیت اصول (مکتب) ظاهر می شود و جز این هیچ عنصر، قوه، شخص، گروه، طبقه و نیروئی حق حاکمیت مطلق ندارد و معیار مطلق و بابت قرار نمی گیرد. دوم - تنها نیرو و مرجع برای اعمال این حق و تحقق اصول مکتب مردم اند. سوم - حق حاکمیت مردم فقط از طریق نظام شوراهای بنحوی مطلوب اعمال می شود. شوراهای

تمامی سطوح جامعه استقرار یافته و اصل نور در همه مراتب از بالاترین تا گسترده ترین سطوح نیروهای خلقی باید رعایت گردد. چهارم - در مرحله ای که هنوز جامعه کاملاً توحیدی و عاری از طبقات متضاد نشده است برای تضمین امامت مستضعفان نمایندگان مجالس ملی از طریق شوراهای مردمی در پایین ترین و گسترده ترین سطوح تعیین و انتخاب شوند.

۱- چهارم - اصل عدم تمرکز قدرت در دولت بشرح زیر رعایت گردد:

الف - تصمیم گیری و اجرا در چهارچوب اصول مشترک و وحدت ملت بین شوراهای مردمی در همه کشور توزیع گردد.

ب - مالکیتهای طبیعی و صنعتی در دولت متمرکز نشود.

ج - ارتش مزدور و در اختیار دولتها نباشد. د - دیوان سالاری از بین رفته و سرانجام نقش و وظایف دولت به امور سه گانه زیر تقلیل و منحصر گردد: ۱- هدایت و راهنمایی ۲- نظارت ۳- طرح و برنامه ریزی عمومی.

پنجم - اصل امامت یا ضرورت وجود شخص یا انشخاصی که بیشترین آگاهی را به مکتب داشته در تقوی و آراستگی به اخلاق توحیدی سرآمد و در حقیقت نمونه ای از انسانهایی باشند که پرورش آنها هدف مکتب و انقلاب اسلامی است - و وظیفه آنها دادن رهنمودهای فکری، سیاسی، اخلاقی و آموزشی و تعلیم مکتب و ارائه نمونه های عمل صالح و هدایت فکری و معنوی و سیاسی جامعه است. ششم - اصل خدا مالکی و مسانی اقتصاد اسلامی بشرح زیر رعایت و ملحوظ گردد.

الف - زمین و سایر منابع و س्रोوت های طبیعی منحصرأ در مالکیت جامعه باقی می ماند و هرگز در تملک خصوصی در نمی آید.

ب - همه افسراد جامعه در اصل نسبت به نعمت های خدادادی حق مساوی دارند.

ج - حق هر کس در بهره برداری از منابع طبیعی به کمک کار مثبت خلقی که انجام می دهد نصیب او می شود.

د - حق مزبور فقط تا زمانی محترم است که کار مثبت وی ادامه دارد.

ه - حق کسانی که بعلت نقص جسمی یا فکری یا ضعف و بیبری عاجز از انجام کار مثبت و خلقی اند از طرف جامعه محفوظ خواهد بود.

و - زمین زراعی در اختیار کسی است که روی آن کار می کند و محصول زراعی در اصل متعلق به زارع است.

ز - محصولات تولید صنعتی متعلق به تولید کننده است و کار مینای تملک محصول می باشد و هر گونه استعمار ممنوع است.

ح - ابزار کار از کار انسان جدا نیست و کارگر نباید از داشتن وسیله کار محروم باشد.

ط - وسایل تولید فردی یا خانوادگی می تواند در مالکیت شخصی تولید کننده باقی بماند بشرطی که ارزش تولید شده به اندازه نیازهای فرد و خانواده باشد نه جامعه.

ی - وسایل تولید دستجمعی و مانعین آلتی که محصول آنها فزون از نیازهای فردی و خانوادگی است و لذا باقی ماندن آنها در مالکیت خصوصی یا اصول فوق و اصل لاضرر و لاضرار مغایرت دارد باید به ملکیت جامعه در آید و دولت به نمایندگی جامعه بر کار آنها نظارت کند.

ک - موسسه تولیدی توسط شورای کارکنان اداره می شود و نماینده دولت به عنوان ناظر در شورا شرکت می کند - شوراهای در چهارچوب برنامه عمومی تولیدی و اقتصادی که توسط شوراهای برنامه ریزی دولتی تهیه و به تصویب مراجع قانونی رسیده است عمل می کنند.

ل - کارخانجات در ملکیت جامعه اند و توسط دولت به کارکنان موسسه تولیدی اجاره داده می شوند.

م - اقتصاد جامعه «تولید، توزیع و تجارت» باید از وابستگی به اقتصاد بیگانه آزاد شود و به استقلال برسد برای این منظور باید این اصل در همه حال راهنا و مبنای تصمیم گیری در سیاستهای اقتصادی باشد که «جز در موارد اضطراری چیزی را مصرف کنیم که خود ساخته ایم».

ن - صرف رسیدن به استقلال اقتصادی و خودکفایی جز این هیچ عنصر، قوه، شخص، گروه، طبقه و نیروئی حق حاکمیت مطلق ندارد و معیار مطلق و بابت قرار نمی گیرد. د - تنها نیرو و مرجع برای اعمال این حق و تحقق اصول مکتب مردم اند. ه - حق حاکمیت مردم فقط از طریق نظام شوراهای بنحوی مطلوب اعمال می شود. شوراهای

بزرگ تجاری و مقاطعه کاری و نظایر آن از ملکیت خصوصی خارج و به ملکیت جامعه وارد شود. نهم - ارتش جمهوری اسلامی بر ضوابط زیر تجدید بنا شود:

الف - همه احاد ملت باید تعلیمات نظامی به بینند.

ب - خدمت سربازی در ارتش باید داوطلبانه و متکی به بیعت آزاد سیاسی و مکتبی با حکومت باشد.

ج - اطاعت در ارتش آگاهانه و در چهارچوب رعایت اصول قوانین اساسی و مکتب ضروری است.

د - ارتش برای دفاع از حرم جمهوری در برابر تهاجم بیگانه است و باید تحت نظارت شورایی از اعضا قوه مقننه یا قضائیه انجام وظیفه کند.

ه - سیاست خارجی و رسالت جهانی جمهوری اسلامی.

جمهوری اسلامی نسبت به سرنوشته ملل جهان متعهد است - این تعهد متوجه وظیفه آزادیبخشی است لذا از همه نهضتهای آزادیبخش حمایت مادی و معنوی می نماید.

جمهوری اسلامی با سیاستهای امپریالیستی و توسعه طلبانه و سلطه جویانه دشمن بوده با آن ضدیت می نماید.

جمهوری اسلامی در راه تحقق وحدت خلقهای مسلمان در سراسر جهان بر اساس آزادی برداری و برابری گام برمی دارد - شرط اولیه تحقق این وحدت آزاد شدن ملل مسلمان از زیر سلطه امپریالیسم استبداد و صهیونیسم می باشد.

یازدهم - اقوام در جمهوری اسلامی امت اسلامی از اقوام و نژادهای گوناگون تشکیل می شود و تفاوت خصوصیات قومی به مصداق آن ترفیقه «انا خلقناک من ذکر و انس و جعلناک نموعبا و قبایل لغار قوا، ان اکرمکم عندالله اتقیکم» تنها ارزش شناسائی متفاوت دارد و هرگز موجب برتری و سلطه بعضی بر دیگران نمی شود بر این اساس و با توجه به اولین منشور سیاسی بیخبر در مدینه - همه اقوام برادر و برابر در چهارچوب است واحد و اصول مشترک دارای مسئولیت مشترک در اداره کشور هستند و در همانحال آداب و رسوم و خصوصیات فرهنگی و قومی خود را حفظ می کنند.

نظام شوراهای راه تحقق شرایط فوق را هموار می سازد و هر قوم در هر ایالت از طریق شوراهای محلی و شرکت در مجالس شورای ملی - سهم مشترک خود را در اداره امور محلی و ملی برعهده می گیرد.

تصمیم گیریها در شوراهای توسط نمایندگان مردم متناسب با مقتضیات محلی و منطبق با اصول مشترک و قوانین اساسی بعمل می آید. دوازدهم - تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی

اعمال حق حاکمیت و مشارکت در تصمیم گیریها و انتخاب نمایندگان - منوط به آن است که مردم از اصول مکتب و مسایل و امور سیاسی و اجتماعی آگاه باشند لذا:

۱ - آموزش ابتدایی و دبیرستان رایگان و ضروری است.

۲ - هدف اساسی تعلیم و تربیت پرورش انسان با خصلت های خداگونه و تکوفا ساختن استعدادهای انسانی است.

۳ - همه افراد از امکانات مساوی برای ادامه تحصیل و کسب مهارتها برخوردارند.

۴ - نظام آموزشی باید کشور را از لحاظ علمی و فنی بسط خودکفائی برساند.

۵ - ارزشهای معنوی که عامل تکامل و رستگاری انسان است در کلیه مناسبات مورد تأکید و تعلیم و تبلیغ آنان هدف تعلیمات و تبلیغات کشور قرار گیرد.

## چگونگی سرگزازی انتخابات مجلس خبرگان

در بیانیه مورخ ۵۸/۳/۲۹ نظر خود را درباره مجلس موسسان و شورای تدوین قانون اساسی منتشر ساختیم اگرچه نحوه تعیین و انتخاب مجلس بررسی قانون اساسی بتنعوی که اعلام شد بدلیل مندرج در آن بیانیه و بیانیه کنونی، نمی توانست مطلوب باشد - بر اساس ضرورت های یاد شده با همراهی سازمانهای مترقی اسلامی دیگر در انتخابات مزبور شرکت جستیم اما جو حاکم بر نحوه

تحت چنین شرایطی یا می بایست مایوس از امکان یک انتخابات آزاد و صحیح و دانستن یک قانون اساسی کاملاً مکتبی - بکلی کنار می کشیدیم و میدان را برای فعالیت بلاعارض نیروهای

تحت چنین شرایطی یا می بایست مایوس از امکان یک انتخابات آزاد و صحیح و دانستن یک قانون اساسی کاملاً مکتبی - بکلی کنار می کشیدیم و میدان را برای فعالیت بلاعارض نیروهای

### دیدار آیت‌الله طالقانی با هیئت اعزامی کوبا

در واقع هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد، علیه استثمار در هر جای دنیا که باشد از نظر مایک انقلاب اسلامی است.

نیمایی کوبا که برای دعوت رسمی از ایران جهت شرکت در کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در هاوانا به تهران آمده است، در پاسخ بستنی از سخنان آیت‌الله طالقانی گفت: «من حامل دروهای صمیمانه و انقلابی رهبران و مردم کوبا برای رهبران ایران و شما هستم، ما برای شما و مبارزات ملت ایران احترام و ادب بسیاری قائل هستیم. این احترام ناسنی از تاریخ شما، مبارزات شما و مقاومت‌های شما در برابر امپریالیسم است.»

پس از این گفتگوها یعنی دربارهٔ ایدئولوژی اسلام و مارکسیسم آغاز شد که مدت یکساعت بطول انجامید. در این بحث آیت‌الله طالقانی، مبانی اعتقادی اسلام، اصول فلسفی و علمی توحید را برای مهمانان کوبایی بطور خلاصه توضیح داد. در قسمتی از سخنان خود آیت‌الله طالقانی چنین گفت: «صادر نفی استثمار، استعمار، دفاع از آزادی و مبارزات ما کویست‌ها عقاید مشترکی داریم، آنچه ما قبول نداریم اصالت ماده است ما به اصالت خدا معتقدیم، به اصالت یک متناهی با شعور و آفریننده.»

پس از استماع این بحث یکی از اعضای هیئت کوبایی که تحت تأثیر سخنان آیت‌الله طالقانی قرار گرفته بود، گفت: «اگر اسلام اینستکه میگویند، پس زنده باد اسلام.»

مسائل دیگری نیز در این دیدار مطرح شد. از جمله: حضور کوبا در آنگولا و ایتوبی، کمک اسرائیل به ایتوبی، درگیری ایتوبی با ارتسیره، کمک کوبا به ایتوبی، مبارزات مسلمانان افغانستان و مسئلهٔ شرکت مصر در کنفرانس غیرمتعهد و مسائل دیگری مطرح و مورد تبادل نظر قرار گرفت.

### ناکامیهای دیکتاتوری

در جریان انقلاب و بخصوص پس از پیروزی مرحله اول آن، کتب و نشریات مختلفی در مورد انقلاب نگاشته شده اند، که بعضی بدلیل عدم داشتن اطلاعات صحیح و یا دلالت مغرضانه، بطور ناصحیح و غیر واقعی به تحلیل وقایع انقلاب و پیشینهٔ تاریخی آن پرداخته اند. در ذیل نقدهای از لوموند دیپلماتیک نسبت به مسحتوی کتاب «ایران، دیکتاتوری و توسعه» اثر «فردهالیدی» را می آوریم.

«ناکامیهای دیکتاتوری» نقدهای بر کتاب «ایران، دیکتاتوری و توسعه» اثر آقای فرد هالیدی، که چند هفته قبل از خروج شاه در لندن انتشار یافت، سعی دارد با تجزیه و تحلیل، علل سیاسی - اقتصادی را که موجب رودرونی مردم با رژیم پهلوی شد، روشن کند. در صورتیکه با کم‌بها دادن و نادیده گرفتن نقش امپریالیسم مسلط (آمریکا) در ایران و برخوردی سطحی با واقعیت‌های موجود جامعهٔ ایران، اکثر مسائل مطروحه در کتابش، تطابقی با جریانبات واقعی سیاسی این کشور ندارد.

بخصوص، در قسمت تاریخی کتاب، نویسنده بدون برخوردی جدی با مسئله سازش و قدرت مسلط روس و انگلیس در مورد استقلال ایران و با سکوت گذاشتن از این بخش از تاریخ مبارزات خلق ایران، با دیدی سطحی به جنبش ناسیونالیستی و مذهبی مردم و تقسیم‌شان در غلبه بر دو قدرت حاکم (آن روز) در ایران اشاره می کند، که این نیز به نوبهٔ خود قابل تعمق است. در جای دیگر با ذکر مختصری از مبارزات دکتر مصدق بر علیه امپراطوری نفی بریتانیا و راه پادشاهی احساسات شدید ضد کمونیستی متهم کرده و او را از ملاکین بزرگ و «دست راستی» می نامد. سپس اضافه می کند که مصدق هیچگونه کمکی به جنبش کارگری و جنبش زنان نکرد و فقط در جهت مستعد شدن با امپریالیسم تازه نفس آمریکا (در ایران) قدم برداشت. هنگامی که بخوبی می دانیم که پایه گذران جمهوری اسلامی فعلی در ایران، خود را ادامه دهندگان جنبش ملی و مذهبی اوایل قرن بیستم دانسته و اکثر نیروهای مترقی و دمکرات مصدق را به عنوان سمبل مبارزات ضد امپریالیستی برگزیده اند، سکوت و تحریف تاریخی آقای هالیدی تعجب آور می باشد.

### سخنگوی سرمایه‌داری وابسته یا دولت انقلاب؟!

اخیراً نشریه‌های تحت عنوان نشریهٔ «جامعه تجاری آمریکا در ایران» بدستمان رسیده است که حاوی اطلاعاتی بسیار جالب می باشد. این نشریه شامل لیست شرکتهای آمریکایی در ایران، لیست افرادی که عضو اطاق بازرگانی ایران و آمریکا بوده اند و لیست شرکتهای ایرانی که تسامندگی شرکتهای آمریکایی را بر عهده دارند، می باشد. در میان نام‌های اعضای اطاق بازرگانی ایران و آمریکا به نام آقای عباس امیرانتظام، سخنگوی پیشین دولت موقت اسلامی و سفیر فعلی ایران در کشورهای اسکانندیناوی، برمی خوریم. در صفحه ۱۵۹ این نشریه به همراه نام ایشان نام شرکتستان، ایران پلانینگ، نیز آمده است که با مراجعه به بخش هفته ۱۹۲ در یافتیم که شرکت ایشان نمایندگی ۱۰ کیبانی متأسفانه جگونگی صالکیت سهام بسویله شرکتهای آمریکایی و تنوع فعالیت‌های اقتصادی آنان بطور کامل در نشریه ذکر نشده است اما زیر نام شرکت آقای امیر انتظام آمده است که این شرکت واردکننده وسایل سنگین برای پروژه‌های جاده سازی می باشد.

بهر حال صرفاً به منظور اطلاع و هشدار بخلاق قهرمان ایران و آندسته از مسئولان امور که هنوز وانمود می کنند که نمی دانند، نام کیبانی های ۱۰ گانه آمریکایی را در زیر می آوریم.

- 1- Contech Inc.
- 2- Drake American corp.
- 3- Engineering Equipment.
- 4- Hobbs Int'l. Inc.
- 5- Iowa MFG. Co.
- 6- Jaegar Machine.
- 7- Jetco Inc.
- 8- Power curber Int'l. Ltd.
- 9- Reinhardt, George, Inc.
- 10- Simplan Interline Trading Co. Ltd.

### حملات پولیساریو بخاک مراکش

لوموند ۲۶ ژوئیه بدنبال حملات پولیساریو به خاک مراکش از آغاز سال جاری، وانگنکن خواستار رفع باره‌ای از محدودیتهای استفاده از تسلیحات نظامی که به مراکش تحویل داده است، می باشد. منابع نزدیک به قوهٔ اجرائیه آمریکا منخص کرده اند، که هنوز هیچگونه تصمیمی دربارهٔ این موضوع گرفته نشده است. ولی کنگره و دولت، وضعیتی را که منطقه صحرای غربی بوجود آورده، مورد بررسی قرار میدهند. آقای ساندرو، نایب منشی دولت در امور خاور میانه گفت که حملات پولیساریو در داخل مرزهای مراکش، بطور اساسی شکل مبارزه را تغییر داده و مراکش دیگر نه فقط در جهت آرام کردن ناحیه ای که در گذشته متعلق بخود بوده، مبارزه می کند، بلکه اکنون باید از خاک خود در برابر حملات خارجی دفاع کند.

ایالات متحده و فرانسه، فراهم کنندگان اصلی تسلیحات نظامی مراکش هستند. اما استفاده از این تسلیحات با محدودیتهایی همراه شده است، و مراکش برای جنگیدن با پولیساریو نمیتواند از آنها استفاده نماید.

در نوامبر گذشته، ملک حسن دوم طی ملاقاتش با کارتار تقاضای افزایش خرید مهمات نظامی ویژه هلیکوپترهای جنگی کرده بود که مورد موافقت کارتر واقع نشد، جبهه پولیساریو اعلام نمود که مبارزانش به شهر «اسره» در صحرای غربی حمله نموده و شهر را بمدت ۳ ساعت در تسخیر خود در آوردند.

### خواست اصلی کارگران، تشکیل شرکت ملی حفاری ایران است

گزارشی از شرکت سد ایران (سد کو در اهواز) تاریخ ۵۸/۵/۵۷ صفر (۱۱) این شرکت امریکایی یکی از بزرگترین واحدهای حفاری دنیاست. حدود ۲۲ سال قبل این شرکت در حوالی شهر قم کار خود را با دو دکل حفاری کهنه آغاز کرد و پنج سال پیش باتفاق بنیاد پهلوی سابق بانک بازرگانی اقدام به تأسیس شرکت سد ایران نمود. در این زمان شرکت سد کو با ۸ دستگاه حفاری و صددرصد سهام امریکایی و شرکت سد ایران با ۵۰٪ سهام امریکایی و ۵۰٪ سهام ایرانی به توسعه کار خود پرداختند تا برای شرکت ملی نفت ایران در جنوب چاه‌های نفت حفر نمایند. در این زمان شرکت سد ایران با ۱۳ دستگاه حفاری کار میکرد. تا قبل از انقلاب سود سرشاری نصیب سهامداران امریکایی میشد. با اوجگیری نهضت اسلامی و فرمانهای مکرر امام امریکائیان از ایران خارج شدند و زمانی که سفرمان امام و پس از پیروزی انقلاب یعنی ۲۹ بهمن ۵۷ کارکنان شرکت‌های سد کو و سد ایران نیز شروع بکار نموده و ابتدا عده‌ای تصور میکردند که بدون وجود کارشناسان خارجی عملیات حفاری ممکن نیست ولی کارکنان غیور و وطن پرست با جدیت جاهد شماره ۶۸ را بنام چاه انقلاب بکار انداختند و جانب اینکه این عملیات در کوتاهترین زمان ممکن و هزینه کمتری از گذشته بنهر رسید. پس از شروع کار بفرمان امام کمیتهٔ کار و امور اجتماعی امام خمینی در اهواز که بکارهای کارگری رسیدگی می کند کارکنان را که در رابطه با اعتصابات اخراج شده بودند بکار برگردانده و از حیث و میل امسال بیت‌المال جلوگیری نموده و محیط سالمی برای کار ایجاد کردند. ناگفته نماند که کار شرکتهای حفاری برای کارگران کاری نهایت سخت و طاقت فرسا بوده و در پایانهای جنوب با برنامهٔ کاری ۱۴ روز کار و ۷ روز استراحت، کارگران را در شرایط ناراحت کننده و جانفرسای قرار میدهد و این واقعیت تلخ که دو سوم عمر این کارگران در سیاهان گذشت و میگردد هر کسی را ناراحت می کند و حقیقتاً ۱۲ ساعت کار سنگین و سخت و لاینقطع با هیچ بولی و معیاری قابل سنجش نیست حدود سه هفته قبل کمیتهٔ کار امام در اهواز بنا به خواست کارکنان و نظر به اینکه کارکنان سندیکی سابق را قبول نداشته و خواهان تشکیل شوراهای اسلامی بودند از هر جبهه یک نفر نماینده شورا و نیز از اعضا کارگاه چندین نفر برای آزادانه انتخاب نموده و هنوز چندین جبه حفاری بدون انجام انتخابات مانده اند که بدلیل دوری مسافت از اهواز بتدریج انتخابات آنها نیز صورت میگردد. این شرکت مسائل و مشکلات گوناگونی دارد که چون هیچیک از مسئولین حاضر نبودند برای جوابگویی به اهواز بیایند کمیتهٔ کار ترتیبی انتخاب نمود که یکی از مسئولین را از تهران به اهواز آوردند و بدلیل اینکه جلسه‌ای راجع به وضعیت کلی شرکت با هیئت مدیره، شرکت ملی نفت ایران در تهران ظرف چند روز آینده تشکیل میشود ۳ نفر از اعضا شورای اسلامی انتخاب شده تا به اتفاق دو تن از اعضا کمیتهٔ کار قرار است نتیجه این جلسه و همچنین سایر جلسات هیئت مدیره شرکت در جلسات عمومی به اطلاع کارگران برسد. یکی از خواستههای اصلی کارگران تشکیل شرکت ملی حفاری ایران است و دیگر اینکه چون ۷ نفر بور امسال قرارداد شرکت نفت با سد کو به اتمام میرسد و تعداد زیادی بیکار میشوند دولت در این زمینه چاره‌ای بیندیشد. کارگران امیدوارند که کمیتهٔ کار باسابقه شورای اسلامی منتخب خودشان، بتوانند کاری برایشان بکنند. مسئله دیگر اینکه چون سایر شرکتهای حفاری در خوزستان پس از انقلاب تعطیل شده اند این خود بخود فکر کارگران را مشغول و نگران میکند. و ناگفته نماند که تعطیل آن شرکتها به منفععت ملت و بیت‌المال بوده به این دلیل که کلیهٔ قراردادهای استعماری و استثماراری بوده و ضمن اینکه ما به چاه زیادی محتاج نیستیم. ما امیدواریم که برادران ما در تهران بتوانند در این سفر موفق برگردند و خبرهای خوشی برای همه کارکنان داشته باشند و قول میدهم که نتیجه را حتماً برای این هفته نامه بفرستیم.

### راضی نشوید که روی شما کرده‌ها

مطلبی را که باید حتماً اشاره کرد این است که در رسته حفاری کارشناسان ایرانی براترین بهتر از کارشناسان خارجی بوده و در این رشته اصلاً بوجود خارجیها احتیاجی نیست.

والسلام  
۵۸۵۵

### باقیه از صفحه ۱

گروهها - همه آنهاهی که در انزوا بودند، بیرون بیایند و اظهار وجود بکنند و کشتار دسته جمعی نشود. همین مشاخعات برای دشمن ما که چرا باین اساسی انقلاب کردید. مسئله دوم، در این حوادثی که بعد از انقلاب در کردستان شروع شد، ترکمنستان، جنوب، متأسفانه، متأسفانه انگشت بعضی از گروههای چپ یا چپ‌نما در تمام این حوادث دیده شده. من سعی کرده افراد بی طرف و بی نظری که اطلاعات را جمع آوری میکردند افشا نکنم برای حفظ وحدت. برای اینکه نباید توجه کنند، تا نباید بخود بیایند، نباید متوجه شوند. ولی متأسفانه می بینیم که هنوز این دستها در کار هستند و اگر پیش از این به اعمال خودشان ادامه بدهند، کسانی که اطلاع دارند برای همه ملت ایران افشگری خواهند کرد.

برادران کرد و خواهران کرد، ما می دانیم در طول تاریخ بلکه قرن‌ها است شما از حقوقتان محروم مانده اید. شما تسخیر قنار مسانید. شما از زمان عثمانیها، تحت فشار واقع شده اید و از حقوقتان محروم مانده اید. و این وضع ادامه بسافت، به هر زندانی که ما رقتیم شما برادران کرد و مبارز بودید، سابقه مبارزه دارید... شما خواهرها و برادرهای کرد، آلت دست یک منت فرصت طلب، یک منت دزدانهای فراری، یک منت مردم خودخواه مینویسد، پس است دیگر. راضی نشوید که روی شما کردها معامله بکنند، بخود آیند. حقوق شما، مانند حقوق دیگر برادران ایرانی است. اگر محرومیت هست، برای همه جا هست. آیا محرومیت ده کرد، بیشتر از جنوب تهران است که مرکز ایران است، مرکز قدرت است. اینها مسائلی است که باید بتدریج انجام بگیرد، اصلاح بشود. مراقب باشید، آلت دست نشوید، حیثیت و شرافت و سوابق خودتان را نگهدارید. شما سرزدارهای اسلام هستید شما ایرانی‌الصل هستید... سلام، ما در ما بر همه برادران مسلمان ما که هم سهم بزرگی در این انقلاب دارند و هم مسئول نگهداری این انقلاب هستند. و امیدواریم و سوسه‌های شیطنی در روچه ما، تأثیر نکند و در یک محیط عالی و پاک و آزاد اسلامی، حقوق همه برآورده بشود.

لطفاً وجوه نشریه امت را به حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت طاووس روزولت واریز نمایید

**هفته نامه امت شماره ۱۷**

**چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ سال اول**

زیر نظر:

**شورای نویسندگان امت**

**خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو**

۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱

جواب شرکت امت - سهام عام

## دروود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما